



روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه ها - بخش نامه ها - آگهی های رسمی و قانونی سوالات

شماره تلفن : ۸۸۹۴-۸۸۹۵ - ۸۸۹۶-۵۴۴۸

سال پنجم - شماره ۱۲۳۲

صفحه ۴۱۹۶

شنبه ۲۰ اردیبهشت ماه ۱۳۲۸

زیر سردمتره اشایی

دوره پانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۱۶۹۶

روزنامه یومیه

فهرست مندرجات

صورت مشروح بقیه مذاکرات صد و پنجاه و هفتمین
جلسه دوره پانزدهم از صفحه ۱ تا ۱۴
۲ - آگهی های رسمی » ۱۵

مذاکرات مجلس

بقیه جلسه ۱۵۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه سی ام فروردین ماه ۱۳۲۸

فهرست مطالب :

۱ - طرح بقیه استيضاح.

۲ - موقع دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت بعنوان بعد از تنفس تشکیل گردید .

۱- طرح بقیه استيضاح

روز گردیده باشد ولی من از اینجا با آنانی که چنین خیالاتی در سرمیرو رانند و چنین آرزوهائی را دارند خبر میدهم که عاقبتشان نظیر عاقبت سایر دیکتاتورها خواهد بود که تاریخ اسمشان را ثبت کرده است و گاهی هم بعظمت ثبت نموده است از فیصروم گرفته تا ناپلئون و از ناپلئون گرفته تا هیتلر و موسولینی و غیره . من برای عاقبت دیکتاتور یا دیکتاتور های خودمان بیمتک نیستم ، خودشان میدانند چه میکنند و حتماً مانند سایر دیکتاتورها خود را از دیگران ممتاز تصور میکنند ولی من دلم بحال ملت ایران میسوزد که بعد از نابودی این دیکتاتورها باید کفاره گناهان آنها را بدهد ، دلم بحال ملت ایران اینست بیچاره ، صبور و بر طاق و زیاده نجیب میسوزد که باید بازلت و بدبختی خرد با رنج و عرق جبین خود با رقت و مشقت خود حس خودخواهی و خود پرستی و قدرت -

رئیس - آقای دکتر بقائی بقیه بیانات خودتان را بفرمائید از آقایان هم تمنی دارم که حرف ناطق را قطع نکنند بلکه از ساعت معینه هم حرف ناطق زودتر تمام شود . آقایان هم اگر میخواهند با هم صحبت بفرمایند پهلوی هم بنشینند و صحبت کنند از پائین با بالا صحبت کردن این صحیح نیست همیشه معمول این بوده یکی میخواست بارفیش صحبت کند تقاضا میکرد جایش را با رقتا عوض میکرد و صحبت میکرد این طریقه خوب نیست که از ده متر فاصله با یکدیگر صحبت کنند (صحیح است)

دکتر بقائی - آقایان محترم گفتیم یک حکومت دیکتاتوری در حال تکوین است علائم اولیه آن مشهود است و غیر قابل انکار است اگر کسی الان منکر آن بشود مثل این است که منکر وجود روشنائی

طلبی و خلاصه تمام تمایلات و شهوات دیکتاتور و ایادی و اطرافیان و ریزه خواران خوان مرحمتشان را ارضاء کنند بدمد که دیکتاتور بهمان سرنوشتی گرفتار شد که همه دیکتاتورها گرفتار میشوند غرامت آنرا هم باید ملت ایران بپردازد دیکتاتورها ملت رحم نمیکند و فشاری که وارد میآورد بنتایج آنی که باید برای ملت تحصیل نماید توجه میکند دیکتاتور بخودش بیستگان خودش رحم نمیکند آنوقت چطور میخواهد ب مردم رحم کند ؟ دیکتاتور اینطور است و همیشه اینطور بوده و تا آخر تاریخ دنیا هم همینطور خواهد بود ممکن است دیکتاتوری پیدا شود که حسن نیت داشته باشد ممکن است وطن پرست باشد ممکن است واقعا زلت و بدبختی مردم محروک اولیه اش برای استقرار حکومت متمرکز مستبدانه باشد ولی ، ولی حکومت یک نفر هر قدر هم که آن یک نفر بفرض مجال پاک طینت و عالی فطرت و نوع دوست باشد بالاخره منجر بحکومت یک باند و یک دسته بله بله گو ، خاطر مبارک آسوده باشد گو ، یک دسته غارتگر و چپاولچی میشود (صحیح است) اینها را دیده ایم شما آقایان هم دیده اید و هر کسیکه تاریخ خوانده باشد میدانند این تحول غیر قابل اجتناب است ، راه موفقیت هیتلر را سرمایه داران امریکائی و انگلیسی هموار کردند برای یک منظور ، جلوگیری از کمونیزم و بعد همان سرمایه داران با کمونیستها همدست شدند و سر هیتلر را کوبیدند نه تنها هیتلر با این ترتیب

همین بقیه مذاکرات مشروح یکصد و پنجاه و هفتمین جلسه از پانزدهمین دوره قانونگذاری

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

موفق نشد بلکه تمام دیکتاتور ها بدست همانانی که علم شده بودند لگد کوب شدند و برای همین است که دیکتاتورهای عاقبت اندیش اول کاری که میکنند آن یله هائیکه وسیله شده اند که اینها باوج عظمت برسند آن یله ها را صاف و نابود میکنند .

دنیای امروز دیکتاتور نمی پسندد ، دنیای امروز دیگر نمیتواند دیکتاتور قبول کند ، نمیتواند قبول کند که یکمده معدودی خود را پشت سر یک نفر مخفی نموده و خون ملتی را بسکند و بآن ملت افاده بفرشند و وطن پرستی را انحصار خود دانسته و هر مخالفی را به بهانه مصالح عالی مملکتی ، وطن بافتاریا کان که همه البته فقط در انحصار آنهاست خفه کنند هیچکس در دنیا دیگر نمیتواند از دیکتاتوری دفاع کند حتی وقتی آن دیکتاتوری را بنا بر فرمایش خودشان و برای حفظ منافع و مصالح عالی مملکت و ملت خودشان برپا نموده باشند برای چند صباحی چشم میبوشند ولی همانهایی که خبر رادویی خودشان را تکذیب نکردند ، بعد از مدتی که چشم پوشیدند و گفتند انشاءالله گربه بود همانها ناگزیر خواهند شد در برابر فشار افکار عمومی دنیا که این دیکتاتوری که برای خدمت بقودشان ایجاد شده بود از بین برود آقایان اینها شده و باز هم خواهد شد . کسانی که میخواهند شاه محبوب ما ، شاهنشاه مهر پرور ، شاهنشاه وزمجبوب ما را با مصالح عالی کشور که همواره با مصالح عالی خودشان تطبیق میکنند و ادار کنند که از راه عدل و مکرسی خوش متصرف شوند اینها قدری بفکر خود آیند ، گفتیم دنیا دیگر نمی پسندد ، نمی پسندد که کسی همه چیز داشته باشد و کمترین قیمتی برای دیگران ، برای ستمکشان و بدبختان و تیره روزان قائل نشود ، حتی دولت جناب آقای ساعد ، حتی آقایان وزراء ایشان ، حتی کسانی که از پشت پرده میخواهند بساط ۲۰ سال پیش را دوباره پهن کنند بهمین دلیل است که میخواهند صورت ظاهر قانونی با عدالتان بنهند ، بهمین دلیل است که شورای عالی فرهنگ که جناب آقای دکترزنگنه ریاست عالی آنرا دارد چند روز پیش تصویب نمود که روز ۱۹ آذر هر سال روز اعلامیه حقوق بشر خوانده بشود و در آن روز برای انتشار آن اعلامیه و آشنا نمودن مردم بحقوقی که نمایندگان ملل دنیا برای هر فرد بشر قائل هستند اقداماتی بشود در این عجله و شتابی که در کارها هست این تصمیم شورای عالی فرهنگ خیلی معنی دارد فکر کنید این عملی است که مبیایستی خیلی زودتر انجام شده باشد و من از پشت این تریبون پیشنهاد میکنم که متن اعلامیه حقوق بشر درشت نوشته شود و در این مکان مقدس نصب گردد برای اینکه اقلا یک جایی باشد ، چون عمل بمغاد این اعلامیه البته مداخله دادن بیگانگان در امور کشور ما است و نمیشود و چون بیگانگان گفته اند که فرد بشر دارای حقوق است ما باید آن حقوق را پایمال کنیم جناب آقای ساعد ، آقایانی که حسرت دوره ۲۰ ساله را میخورند خوب میدانند که نمیشود دیکتاتوری را صاف و بی پرده دوباره علم کرد و آن بساط را تجدید کرد بهمین دلیل مجلس مؤسسان تشکیل میدهند تا منظورشان را منطبق با قانون جلوه

دهند و برای اینکه از هیچ قانون شکنی باک ندارند برای اینکه از حکومت نظامی استفاده مینمایند ، انتصابات چنان بسرعت انجام میدهند که در تاریخ ایران سابقه ندارد و این سرعت را بعداً حمل بر شد و ترقیات روز افزونی که در دوران حکومت نظامی و نابه عظیم الشان آتیه صورت گرفته است قلمداد خواهند کرد . (زنگ رئیس)

رئیس - آقای دکتر بقائی متوجه بیانات خود باشید ، صحبتهای خارج نکنید .

دکتر بقائی - چشم اطاعت میکنم در سال ۱۳۱۲ بود گمان میکنم در بروکسل بایک نفر ایرانی آشنا شدم که قبلاً با آثار و نوشتهجات او آشنائی داشتم ، این شخص اسمش محمد مسعود بود بعد از آنهم چند بار او را در پاریس ملاقات کردم و از آنوقت باین ما یک نوع حس اعتماد و اطمینانی پیدا شد در مراجعت از اروپا گمان میکنم اوائل سال ۱۳۱۸ بود یکروز او را در خیابان دیدم و احوالش را پرسیدم معلوم شد که در شرکت قماش یا کتیرا نمدانم یک چنین اسمی مشغول کار است با ماهی ۲۰۰ الی ۲۵۰ تومان حقوق ، بعد از آنهم گاهیگاهی این شخص را میدیدم البته تماس زیادی ما باهم نداشتم ملاقاتهای بی دردی نداشتم دو ماه سه ماه ، ۶ ماه یکبار هم را میدیدم ولی از آنجائی که یک حس صداقتی بین ما ایجاد شده بود ، هر وقت که بعد از مدتی این را میدیدم شرح حالش را برای من تعریف میکرد چون میدانست که من یکسوی نخواهم گفت ، میدانید هر فردی از بشر احتیاج دارد که یک دوست صمیمی داشته باشد چون بعضی دردها است ، بعضی اسرار است ، بعضی چیزهاست که انسان آنها را نمیتواند تحمل کند ولی یک حقیقتی است که از قدیم بآن پی برده اند و اگر در حکایات و امثال عامیانه ما هم توجه بفرمایید خواهید دید که از قدیم مثلا توجه داشتند مثلا یک کسی اسراری داشته در حکایات عامیانه هست که رفته رفته باجاه صحبت کرده ، برای اینکه بعضی چیزها هست که انسان نمیتواند نگاهدارد و یک دوست صمیمی میخواهد که اطمینان داشته باشد که او رازش را فاش نخواهد کرد و او بارش را سبک کند با گفتن اسرار ب دوستش ، من باوجود اینکه تماس زیادی با مرحوم مسعود نداشتم روی این اعتمادی که بمن داشت و خوشوقت از اینکه نظیر این اعتماد را بسیاری از دوستان بمن دارند میآید و در دلهايش را با من میکرد و بسیاری از اسرارش را با من میگفت که شاید کمتر کسی غیر از من بداند (والیه آنها را هم من نخواهم گفت) اصولاً هم ، اصولاً عرض میکنم با این روشی که پیش گرفته بود من زیاد موافق نبودم و به ندرت اگر با من مشورتی میکرد من رأی خودم را اظهار میکردم و با او بحث میکردم و بهمین جهت که کمتر با من مشورت میکرد کمتر بحث میکردم ، در موقعی که جناب اشرف آقای قوام السلطنه در تعقیب مسعود بود آقایان خاطر شان هست مدتی مرحوم مسعود مخفی بود بعضیها میگفتند فرار کرده رفته بقم ، بجنوب ، بعضیها میگفتند رفته بخارج ولی در هر صورت مخفی بود و یک روزنامه ای هم بطور پلکی در آن موقع انتشار میداد و در این موقع يك اشخاصی هم با او کمک میکردند و با او دوستی داشتند که البته پشت جنازه آن مرحوم یقه درانی کردند ولی بعد از شش هفت ماه نمدانم بطور شد که تمام آنها

که فراموش شده ، دشمن او هم شدند ، این یکی از چیزهایی است که من کشف نکردم خلاصه در آن موقع یکروز آمدم مجلس خاطر من نیست یکی از آقایان کارمندان مجلس شاید وزیری بود یا یکنفر دیگر گفت از یکجائی يك تلفنی میکردند و نمره اش را بمن داد من تلفن کردم وقتی از هویت من اطمینان پیدا کردند گفتند مسعود میخواهد با تو صحبت کند و یک شماره تلفن دیگری را بمن دادند که من آنجا تلفن کردم ، تفصیل زیاد است مقصود این است که بمن گفت دلم میخواست با تو صحبت کنم و خلاصه این است که در آن موقع هم بمن اعتماد داشت ، در آن موقع هم که همه خاطرشان هست بعد از سقوط کابینه قوام السلطنه يك روز که از مجلس رفتم بیرون دیدم آمده بیرون مجلس يك اتومبیل کوچکی داشت و بیرون مجلس منتظر من بود با هم رفتم ناهار خوردیم و یکتودی باهم صحبت کردیم از دوران فراری بودنش ، و بعد از آن يك روز دیگر هم دیدمش و یکروز دوشنبه بعد از ظهری بود من آمدم مجلس گمان میکنم که سیون بودجه داشتم یا يك که سیون دیگری تلفن کرد بمن و بمن گفت امشب برای شام بیامنزل ما ، تصادفاً (میگویند مرمک آخوند موقعی است که در يك موقع دوجا دعوت داشته باشد) من آن شب جائی دعوت داشتم و عذر خواستم گفت نه حتماً باید بیائی کار لازمی داریم چون جای دیگری هم دعوت داشتم قرار شد که ساعت نه اتومبیل بفرستد عقب من و بروم منزلش ، رفتم منزلش يك جلسه ای بود که یکتودی باصطلاح برایم مهم بود آن جلسه ، چون دونفر اشخاصی بودند که من نمیشناختم ، ولی يك صحبتی در اطرافشان شنیده بودم حالا کاری ندارم بعد از خاتمه آن جلسه وقتیکه ما بر میگشتیم بمنزل سایر مدعوین با اتومبیلهای خودشان رفتند محمد مسعود خودش صحبت کرد و با اتومبیلش من را رساند بمنزل ، بین راه من از او پرسیدم که برای این شماره چه چیزی حاضر کردی گفت يك چیزی که در تهران مثل سبب اتم خواهد ترکید ، این عبارتش است که من یادداشت کردم ، این شماره روزنامه من مثل سبب اتم در تهران خواهد ترکید ، پرسیدم موضوعش چیست ؟ گفت گراور يك سندی است که من میخواهم آنرا در روزنامه خودم منتشر کنم ، آقایان من برای بقیه عرایض مدرک ارائه میدهم این جا ، برای این موضوع مدرکی ندارم ارائه بدهم ولی بقران و شرافت خودم و بهمین قانون اساسی که دفاع میکنم ازش ، این عرضی که میکنم عین حرفی است که محمد مسعود بمن گفت و میدانید که خیلی بیشرمی میخواهد که کسی پشت سر مرده دروغ بگوید عین حرفی است که محمد مسعود بمن گفت من بشما عرض میکنم ، اتخاذ سند هم بکنید یا نکنید بعال من فرقی ندارد ، ولی من سندی ندارم که ارائه بدهم ، فقط شرافت و وجدان خودم را گرو میگذارم که این عین حرفی است که محمد مسعود بمن گفت ، گفت این سند عبارت از کاغذی است بخط تیمسار سر لشکر رزم آراه که بسروان روزبه نوشته شده است و پس از افشای آن دیگر رزم آراه قدر است نخواهد کرد ، توضیحات بیشتری خواستم گفت نوپرش

میرود باید توی روزنامه بخوانی من چون دیدم کامل ندارد امر اری نکردم گفتم که خیلی خوب صبر میکنم مجهولات دیگری هم هست که باید صبر کنم کشف شود گفتم که صبر میکنم ولی متأسفانه آن شماره ای که وعده داده بود دیگر منتشر نشد و منم پس از آن دیگر آن مرحوم راز ندهند دیدم البته وقتیکه انسان يك چیزهای مختلفی در ذهنش بیاید و یک رابطه ای بین آنها برقرار میکند کنجکاو میشود و توجه میکند بچیزهاییکه قبلاً توجه نداشته حقیقتش اینست که من پیش از این قضیه توجهی بنسداد ارتش و تیمسار سپهبد رزم آراه که در آن موقع سر لشکر بودند نداشتم خوب يك چیزهایی توی روزنامهها مینوشتم منم توجه نمیکردم و رد میشد و توجه زیادی نداشتم ، بعد از این جریان و آن چیزیکه شنیده بودم و آنچه که دیده بودم با توجه بیشتری اخبار روزنامهها و مقالات راجع بنسداد ارتش و تیمسار معظم سپهبد رزم آراه را قرائت کردم و تعجب کردم و یکبار هم جریان این صحبتی که بین من و آن مرحوم در دوشنبه شده بود بوسیله یکی از محارم اعلیحضرت بحضور مبارک ایشان پیام فرستادم زیرا آقایان در نظر داشته باشند که من همیشه رعایت تمام حجت را میکنم تمام حجت یکی از آن چیزهای مهم است ، حالا عرض اعلیحضرت رسانند یا نرسانند نمدانم ، مقارن این احوال بود یعنی فوت مرحوم محمد مسعود گمان میکنم در ۲۳ بهمن اتفاق افتاد (یکی از نمایندگان - بیست و سوم) بلی بیست و سوم خیلی مختصر میخواهم از این فراموشکاری ، پارسال در موقع شهادتش تمام روزنامهها ملاحظه فرمودید باعکس و شعر و مقالاتش درج کردند امسال با کمال تعجب دیدم که يك روزنامه هم درج نکرد من تعجب کردم روز سالش دیدم هیچکس درج نکرد يك روزنامه دیدم ولی فقط سه خط که امروز سال محمد مسعود است خیلی تعجب کردم که آنهاییکه آنروز نش مرحوم محمد مسعود را گذاشتند بسینه زدند بقیه باره کردند از انطرف و انطرف بطور شد يك کلمه نوشتند که پارسال محمد مسعود شهید شد در این هم کنجکاو شدم تعمق کردم جناب آقای مکی فرمودند که شب ۲۳ بهمن در یکی از روزنامهها بودم و مأمور از طرف شهربانی با حکومت نظامی میآید و میگوید حق ندارید راجع بشهادت محمد مسعود چیزی بنویسید بسینه حق ندارید بنویسید که محمد مسعود را یکسال پیش کشتند آفاسا قاتلش را بدست نیاوردید خیلی خوب ما میفهمیم که مصالح عالی مملکتی اقتضا میکند که قاتل محمد مسعود شناخته نشود مامم بروی خودمان نمیآوریم ولی چرا ننویسند که این پارسال شهید شد ؟ آخر این بطور آزادی است آقای مسعودی این بطور آزادی است که حق نداشته باشند بنویسند که پارسال محمد مسعود را شهید کردند امروز روز سالش است بعد یکی دیگر چون راجع باین موضوع خیلی کنجکاو شدم من هم وقتیکه بموضوعی کنجکاو بشوم اول نمیکم با یکی از رفقا صحبت میکردم یکی از رفقای من که اتفاقاً از دوستان مسعود بود بمن گفت يك چیز بالا تری بتو بگویم من روز ۲۳ بهمن خواستم بروم سر قبرش فاتحه بخوانم میدانید چه دیده بود سر قبرش ؟ کی میدانید چه دیده بود هیچکس نمیداند قبر این بیچاره را محاصره کرده بودند !!! قبر را محاصره کرده بودند پارسال و پاسبان من نمدانم آقا روزنامه نویسهاییکه در روزنامه و مجلات خود در

آن موقع آنهمه دادو فریاد کردند و بسرزندوبسینه زدند و ما بنفستاسبون کردند و تظاهر کردند سر سال یکی از اینها که خودشان را عزیزترین دوست محمد مسعود میدانستند خودشان میگفتند که محمد مسعود عزیز ترین دوست ما بود هیچ چیز ننوشتمد و من يك چیز دیگری بخاطر ام آمد که مجبورم بگویم و بشاخ و بربک بروم چون چیزهایی هست که نمیشود نگفت بخاطر آمد آنروز که رفتم برای فاتحه خانی سر جنازه اش باندازه ای اشخاص بد سابقه آنجا دیدم که بسر و سینه میزدند که من راستش جلوزنرفتم و بعد بر قافیم گفتم که محمد مسعود (رفقای من همه شاهدند هر که را بخواهید بیاید شهادت بدهد که همانروزیکه نعشش را در انجن روزنامه نگاران گذاشتند که تشییع شود من برای تشییع هم رفتم دنبال جنازه دروغ نمیگویم) گفت محمد مسعود را يك شکنجکه بعد از مرگ کردند که مرگ پیش آب نبات بود گفتند بطور ، گفتم يك اشخاصی برای او گریه و زاری کردند و بسر و سینه زدند که من میدانستم چقدر روح او از اینها متضرر است و بعد هم با ثبات رسید ، آخر آنهاییکه صفحات روزنامهها و مجلاتشان را سیاه کردند ، عکس نعشش را چاپ کردند مقاله نوشتند اینها تمام فراموش کردند که روز ۲۳ بهمن سال محمد مسعود است ! ولی نه اینها فراموشکار نبودند فراموش نکرده بودند ، بهشان گفتند که مبادا راجع بمحمد مسعود يك کلمه بنویسید اگر بنویسید پندرتارا در میآوریم تمام شد ...

رئیس - این اشخاص از هر جریانی استفاده میکنند تنها اشخاص ساده فریب میخورند (احسن)

دکتر بقائی - بلی عیناً همینطور است ، اینها همه نامههایی است که رسیده مثلاً نامه يك مدیر روزنامه است که نوشته اجازه ندادند که چیزی نوشته شود ، عرض میکنم که در خلال احوال بود که یکی از دوستان خوب ما خدا بیامرزش مرحوم مرآت اسفندیاری برحمت ایزدی بیوست و در اثر فوت آن مرحوم انتخابات سیرجان مبیایستی تجدید شود ماو کلاهی کرمان يك جلسه ای کردیم دور هم نشستیم و صحبت کردیم که چکار کنیم سه نفر کاندید بودند از اهل کرمان و هر کدام از اینها از يك لحاظی با بستگی داشتند دیدیم اگر بخواهیم یکی را انتخاب کنیم این تولید زحمت میشود قرار گذاشتیم بین خودمان که ما هیچ نوع مداخله ای له و علیه در انتخابات سیرجان نکنیم کاملاً بیطرف بمانیم ولی در يك موضوع هم تصمیم مثبت گرفتیم و آن این بود که نگذاریم ، هیچ فرد غیر کرمانی از آنجا انتخاب بشود اینرا بین خودمان تصمیم گرفتیم بعد از چند روزی اطلاع پیدا کردم که از طرف وزارت دربار و ستاد ارتش جناب آقای دکتر طاهری کاندید سیرجان شدند ، آقای مهندس رضوی و من این موضوع را در مجلس تذکر دادیم و خودم هم مستقیماً شرفیاب شدم بحضور مبارک اعلیحضرت همایونی و در آنجا يك مذاکره مفصلی راجع باین موضوع شد و وقتیکه از حضور ایشان مرخص شدم تقریباً یقین کردم که موضوع کاندید جدید منتفی شده است و با اطمینان کامل از این جریان و با خیال راحت برای استراحت و گذرانیدن ایام عید بکرمان رفتم عید نوروز پارسال ، ولی در کرمان دیدم که غیر برخلاف آنچه

که من تصور میکردم جنک مفلوبه است و مقامات نظامی باشند هر چه تمامتر مشغول اجرای آن دستوری هستند که من خیال میکردم لغز شده است و اینرا هم باید عرض کنم که يك عده زیادی از فدائیان جناب آقای دکتر طاهری در حدود شاید پنجاه و چند نفر با چند کامیون و چند اتومبیل و اسکانهای پول رفته بودند سیرجان و فعالیت میکردند برای انتخابات ایشان ضمناً از یا فشاری آقایان یزدیها این موضوع را هم عرض کنم که چند نفر از مخالفین آقای دکتر طاهری هم از یزد راه افتاده بودند و رفته بودند سیرجان که نگذارند ایشان از آنجا انتخاب شوند ، در صورتیکه اگر یکی هم بخواهد برود يك جای دیگر انتخاب بشود دیگر اهل آن شهر نمیروند ولی مقصودم این بود که قرصی یزدیها را در عقیده شان یاد آوری کرده باشم البته آن فدائیان و طرفداران جناب آقای دکتر طاهری برای کمک بمقامات نظامی و ارتش بکرمان و سیرجان آمده بودند وقتیکه من دیدم اینطور است و انتخابات دارد انجام میگردد و تقریباً هم فتح جناب آقای دکتر طاهری مسلم بود من از استراحت صرف نظر کردم و کارهای شخصی خود را هم ول کردم فوراً از کرمان سیرجان رفتم ، دو چیز این مسافرت را الزامی میکرد یکی اینکه بادوستان خودمان تصمیم گرفته بودیم که با هر کاندید غیر کرمانی مخالفت کنیم و دوستان من هم میدانند که من وقتی در يك چیزی تصمیم بگیریم نمیتوانم عدول کنم دیگر اینکه من احساس میکردم که این مداخلات ارتشها تمرینی برای انتخابات دوره شانزدهم است یعنی همانطور که جنک اسپانی تمرینی برای بین الملل اخیر بود انتخابات سیرجان هم تمرینی برای انتخابات دوره شانزدهم بود (آن وقت فکر نمیکردم که مؤسسانی بشود) و چون این را تشخیص داده بودم لازم دانستم که يك قدری دماغ آمقادات ارتشی را که در انتخابات مداخله میکنند بسوزانم که در دوره شانزدهم باین خیالها نفتند ، در آن موقع دماغ سوزی بسیار خوبی هم از اینها شد ولی متأسفانه معلوم شد بجای اینکه منته بشوند متنو روش خودشان را تکمیل کردند جناب آقای عدل اسفندیاری هم که در اثر آن مبارزات ما انتخاب شدند خوشوقت کالان در این مجلس تشریف دارند و شهادت بمداخلات نظامیها میتوانند بدهند اینطور بود آقای عدل اسفندیاری ؟ (عدل اسفندیاری - بلی) تصدیق فرمودند بنویسید که تصدیق فرمودند (رحیمیان - فرمودند بلی) مقصود این بود (اردلان - ایشانرا برحمت نیندازید فرمایش خودتان را بفرمایید) نه خوب یکتورده هم بد نیست ، مقصود این بود که پس از کشته شدن مرحوم مسعود من با دقت بیشتری اخبار ارتش و مقالات مربوط بنسداد و رئیس معظم آن را مطالعه میکردم و گاهیگاهی هم مطالب خیلی تعجب آور میخواندم ولی هر چه بیشتر انتظار میکشیدم که بآن مطالب و اتهامات که در روزنامهها ذکر میشد ترتیب اثری داده شود هر چه بیشتر انتظار میکشیدم کمتر نتیجه میرسیم ، روزنامه آتش در شماره ۲۶۷ مورخه ۱۰ اسفندماه

۱۳۲۶ مینویسد و امیدوارم که این خبریکه من میخوانم مال یارسال این سبب نشود که دوباره مدیر روزنامه آتش را بگیرند و بجرم عطف با سبق تعقیب کنند ، مینویسد ، « اطلاعاتی درباره قتل محمد مسعود (و عین روزنامه آتش را هم اینجا دارم چون من اسناد را جمع آوری میکنم این عین روزنامه است) همانطور که خوانندگان ما اطلاع دارند امروز صندوق سیرده محمد مسعود در بانک ملی بوسله دادستان تعویل گرفته و بازرسی شد در این صندوق ده هزار تومان پول نقد و سهام شرکتها و همچنین نامه‌ای از قوام السلطنه بمسعود یافت شده است (آنجا القاب را ننوشته است) این نامه را قوام السلطنه هنگامی بمسعود نوشته کوی در اولین سرمقاله اعتراضیه خود بوضع انتخابات اعتراض کرد (راستی یاد آمد که در آنوقت بانقلابات تهران همه اعتراض میکردند و قوام السلطنه بمناسبت تجدید امتیاز مرد امروز بخط خود از او شکوه و گله نمود) خبر دیگری که خبر نگار ما (یعنی خبرنگار آتش نه خبرنگار بنده ، خبرنگار آتش) بدست آورده حاکی است که پیرو خبر دیروز درباره اسنادیکه از خیانت بعضی رجال و شخصیتهای مختلف در دست مسعود بود اکنون آشکار شده است که یکی از افسران ارشد که با خسرو روزبه تماس داشت حاضر شده بود این اسناد را که شاید مربوط بخود او بوده است تا چهل هزار تومان خریداری کند ولی مسعود حاضر نشده بود و جداً مصمم بانشار آن بود که ناگهان بقتل رسید ، یکبار آن سند را فروخته بود یا سوخته بود ، برای اینست که دانستن اسرار یک چیز بسیار خطرناکی است ، جان آدم غالباً سردانستن اسرار فرقه و میورد ، و شاید برای همین بود که من هم در مجلس متحصن شدم تا اسرار را بگویم و همه بدانند ، آنوقت اگر بخوانند آنها را مخفی کنند باید همه را بکشند ولی وقتی بکنفر میداند او را که کشتند تمام میشود ، ولی وقتی که همه دانستند باید همه را بکشند . . .

رئیس - بنده از روز اول با آقای دکتر بقائی گفتم هیچ خطری برای ایشان نبود حالا هم همینطور است هیچ خطری نبود همینطور که گفتم جنبامالی بیرون هم مرفقت هیچ خطری نبود و همه بیانات خودتان را میتوانستید بکنید ، مسعود را هم انشاءالله خدا رحمت کند . . .

دکتر بقائی - جناب آقای رئیس تشریف نداشتید جلسه اول عرایض بنده ، سرهنک برخورداری که مهندس رضوی را کتک زد بجای اینکه تعقیب کنند بانهمد تومان حقوق و اتومبیل استخدامش کردند و یک اداره هم برایش ایجاد کردند برای یک سبلی ، این را اگر خواننده بودید درمذاکرات استیضاح روز اول بنده این فرمایش را نمیفرمودید جناب آقای رئیس ، برای آن سبلی این کار را کردند و اینقدر دادند ، برای یک خنجر خیلی بیشتر هم میدهند ، مقام وزارت هم ممکن است بدهند (فولادوند - این فرمایشات شما هم بی دلیل است) دلیل آوردن آقا ابلاغش را اینجا خواندم سرهنک باز نشسته کجایش بی دلیل است ؟ اینجا را هم حساب میکنم دقایقش را هم روی آن ۶ ساعت اضافه میکنم (خنده) نایندگان) فراموش نشود که گفته ام ۶ ساعت صحبت میکنم نه اینکه ۶ ساعت حرف بشنوم اعتراض بشنوم

من ۶ ساعت باید صحبت کنم این اعتراضات و این چیزها جزو آن ۶ ساعت نیست (فولادوند - بنده برخوردار را نگفتم اظهارات شما علیه یک سید بیک درد دل نصف شب است و نوشته یک روزنامه ای دلیل نیست شما میخواهید یکی را قاتل معرفی کنید و این صحیح نیست) اجازه بفرمائید دلیلش را بیاورم اینجا هم میرسیم آقای فولادوند و شما هم چون مبینم که یکقدری حال مزاجتان خوب نیست و قلبتان ضعیف است همین حالا تشریف ببرید ، چون من اینجا یک اسنادی خواهم خواند و یک مدارکی ارائه خواهم داد که برای قلبهای ضعیف خیلی خوب نیست (خنده نایندگان) این را قیلا من گفتم که سندیت بهش نیدهم ، اینرا قیلا گفتم ، حالا سند برایتان میخوانم ، یک خبر دیگری خیلی اسباب تعیر مرا فراهم کرد آن خبر این بود روز دوشنبه ۱۶ فروردین ماه ۱۳۲۷ (جناب آقای وزیر جنک این را یادداشت کنید) در سربازخانه هنگ دژیان در عباس آباد یک سرباز نگهبان باسم محمد قلی رحمانی سزواروی یک سرباز نگهبان دیگر را باسم پرویز مرشدلو سزواروی با تفنگ کشت اینها هر دو تاشان سزواروی بودند هر دو از گروهان ۴ گردان یک هنگ دژیان بودند این اتفاق بود که روز دوشنبه اتفاق افتاد گمان میکنم طرفهای عصر بود خیال میکنم روز چهارشنبه ۱۸ فروردینماه ۱۳۲۷ یعنی بفاصله کمتر از چهل و هشت ساعت سرباز قاتل تیرباران شد !! چه سرعت عملی !! احسن تطبق کدام قانون و چه موادی از قانون این محاکمه در موقع صلح باین سرعت بعمل آمده ؟ بعلاوه مگر قوانین ما حق تقاضای تجدید نظرو فرجام را از متهمین سلب کرده اند ؟ بعلاوه مگر منعی دارد که یک نفر محکوم بقتل از پیشگاه ملو گانه تقاضای عفو بکنند همانطور که وزارت دادگستری تقاضای عفو آن کسی که بجرم اختلاس اموال دولتی محکوم شده بود کرد و قبول شد چه مانع داشت برای این سرباز هم چنین تقاضایی بشود بعضی ها میگویند عمل این دادگاه با قتل محمد مسعود بی ارتباط نبوده است والا چه چیز ممکن است موجب این بی قانونیها شده باشد !! صحبت از محمد مسعود بود شب جمعه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۲۶ او را جلوی چاپخانه مظاهری یعنی در حین انجام وظیفه ، وظیفه مقدس روزنامه نگاری . . .

رئیس - خدا رحمتش کند همانطور که گفتید با یک حقوق کمی مشغول اعاشه بود و با چند صد هزار تومانی از دنیا رفت و با اشاعه فساد اخلاق یولهای بدست آورد آقای دکتر بقائی مملکت را خراب نکنید بگذارید حقیقت را مردم بدانند دیکتاتوری وجود ندارد من خودم جلودیکتاتوری را خواهم گرفت .

دکتر بقائی - کجا گرفتید ؟

رئیس - گفتم دیکتاتوری نیست اگر دیکتاتوری باشد جلوش را بگیرم شما در عالم خیال و فرض تصورات این را میکنید.

نمایندگان - صحیح است .

دکتر بقائی - حضرتعالی در تهران تشریف نداشتید این انتخابات مجلس مؤسسان تهران را تشریف نداشتید . . .

رئیس - اگر ممایی در امور باشد یک چیزهایی را نباید باهم مخلوط کرد من باین طرز بیان معترضم .

دکتر بقائی - عرض کنم اینجا مطلب دوتا شد من در عرایضی که کردم هیچگاه نگفتم که مرحوم محمد مسعود پول نمیکرفت هیچوقت هم نگفتم که او جزء فلاسفه درجه اول و از اولیاء خدا است آقایان همه شاهدند که من راجع بملکات اخلاقی صحبت نکردم هیچ صحبت نکردم چون من حرف دروغ انشاءالله نمیزنم ولی من میدانم محمد مسعود پول هم نمیکرفت میدانم از چه مقاماتی هم میکرفت تمام اینها را بمن گفته بود بکسی هم باز گو نخواهم کرد ولی یک روزنامه نگاری بود و جزء روزنامه نگارهای خوب بود و چند صد هزار تومان هم نداشت من بتمام تمولش اطلاع دارم میدانم چه جور جمع کرده بود گاهی هم مرا میهمان میکرد میرفتیم تهاهار میخوردیم میخواستیم پولش را من بدهم میگفت نه تو پول نده من این پولها را از این گردن کلفتها گرفته ام من میدهم این حرفها را هم میزد .

رئیس - همین اظهارات نیکندارد که این گردن کلفتها از بین بروند باید آنها را از بین برد (صحیح است - احسن) .

دکتر بقائی - همین کار را دارم میکنم .

رئیس - شما نمیکند ، کاری میکنید که اینها سوء استفاده بکنند شما باید آن کسانی را تقویت کنید که دزدها و کسانی را کمیلونها از این مملکت استفاده نامشروع کرده اند از بین ببرند (صحیح است احسن) همین الان هم میگویم و با هم ندارم چون بشاهم علاقه دارم .

دکتر بقائی - با آنها هم میرسیم ولی مطلب اینجا است که امان پور را که ششدهم پنج میلیون اختلاس کرده بود از حبس معاف میشود ، (مکی - سرتیب البرز) سرتیب البرز معاف میشود سایر دزدانی که ما میشناسیم میآیند و میروند و کسی با آنها کاری ندارد ولی تا صحبت آن شهید میشود میگویند دزد بود فقط ولی صحبت این را من نمیکردم آقا داشتیم راجع بروزنامه نویسه میگفتم که شما تاریخ روزنامه نگاری را اگر توجه بکنید و مراجعه بکنید در دنیا خواهید دید که روزنامه نویسهها چقدر شهید در راه انجام وظیفه داده اند ولی لازمه اش این نیست که اگر کسی روزنامه نویس شد حتماً هم فرشته باشد این لازمه اش نیست آن یک مطلب جدا گانه است آن هم بشر است ممکن است تقاطع هم داشته باشد در موقع خود باید بحساب آورد این وظیفه ای را که انجام میدهد این راهم بجای خودش بداند ولی اینرا هم دانسته باشید که روزنامه نویسهها برای دفاع از حق و حقیقت و آزادی و برای انجام وظیفه خودشان خیلی کشته داده اند و در مملکتی که جنایتکاران و دزدها برنصاب و مقامات تکیه میزنند نباید دلیل آورده شود که پس از یکسال که قاتل محمد مسعود را دستگیر نکرده اند بیایند بگویند که او هم آدم خوبی نبود ، این دلیل نمیشود و این میلیونها که خرج میشود در شهر بانی و در کن دووم و کجا و کجا نمیگویم نباید دزدها را بگیرند ولی قائلین را باید بگیرند و این جواب نمیشود که چون آدم خوبی بود پس ما چشم پوشی بکنیم و قائلش را بگیریم آن یک مطلب است و این هم یک مطلب است (باتماقلیح - آقا این حرفها مورد ندارد) آقای باتماقلیح شریکت کمرت بزند (باتماقلیح - چه گفتید ؟) گفتم شریکت بکمرت بزند .

باتماقلیح - شریکت بکمرت تو بزند (زنک رئیس)

رئیس - آقای باتماقلیح ساکت باش .

دکتر بقائی - ... شب جمعه ۲۳ بهمن ماه ۱۳۲۶ محمد مسعود را در حین انجام وظیفه شهید کردند همه آقایان بخاطر دارند چه تظاهراتی پس از این واقعه انجام گرفت و چه مقالات مفصلی نوشته شد چون بنسبست سال فوت آن مرحوم چیزی نوشته نشد من (خواهش میکنم اگر اجازه بدهید بگوری چشم آنها که دستور داده بودند چیزی نوشته نشود روزنامه های محترمی که اخبار مجلس را درج میکنند عکس آن مرحوم را هم گراور کنند و این نشانه ای باشد که اگر گراور شد خواهیم دید که تعزیتی این دمه نبوده است و اگر گراور نکردند معلوم میشود که همانطور که سر سال او گفتند چیزی ننویسد حالا هم میگویند تظاهری نشود این نشانه را فردا خواهیم دید (خنده نایندگان) ولی آقایان محترم کسانی که بمن میگویند آزادی مطبوعات هست ، آزادی نشر عقاید هست کسانی که صدای من بگوش شما میرسد آیا هیچ از خود پرسیدید ؟ آیا هیچ تعجب کردید که در بین یک ملتی که مثل ما مشهور برده پرستی است چطور شد که یک کلمه هم در اطراف شهادت آن مرحوم در روز سال او نگاشته نشد و این موضوع را جناب آقای ساعد از جناب عالی استیضاح میکنم که چطور شد که یک کلمه نوشته نشد اینها منتهی بود حالا وارد متن تاریخ میشود درست این حرفها را گوش کنید شاید جای دیگر کسی جرأت نکند بگوید از شرح وضعیت و سابقه آن شخص مسعود که اسم نمیزنم فعلا تا قبل از شهریور ۲۰ حالا چیزی نمیکوم و گمان میکنم بایان وضعیت و عملیات و رویه او بعد از شهریور ۲۰ سابقه مشارالیه قبل از این تاریخ نیز در نظر روشن شود اسمش را خواهم گفت ولی حالا نمیکوم که تشنج ایجاد شود این شخص در نتیجه عملیات و خطاهایی که چند سال قبل از شهریور ۲۰ مرتکب شده بود بتهران احضار و اعلیحضرت فقید دستور فرموده بودند دیگر مأموریتهای فرماندهی وصفی بمشارالیه محول نشود بواسطه اعصالی که در لرستان مرتکب شده بود چندین پیرونده بر علیه او تنظیم و تحت تعقیب قرار گرفت در این موقع با همدریف ستوان یکم سر کار علی اکبر مهتدی گذر دادرسی ارتش کار میکرد (بیش از ۲۰ است) مربوطه شد پس وقتی بر میگرددیم بعقب می بینیم که اینها آشنائی شان از قدیم بوده و با کمک آن سر کار ستوان یعنی همدریف پیرونده های مزبور ازین برده شد و بعداً نیز با کمک تیمسار سر لشکر عبدالله هدایت رفته رفته وضعیت او نزد اعلیحضرت فقید تا اندازه ای اصلاح گردید ولی هیچوقت شغل حساسی یاو محول نشد فقط در اواخر سلطنت اعلیحضرت فقید بمعاونت دروس دانشگاه جنک مشغول بود

فولادوند - این سرهنک همیشه رئیس لشکر بود **دکتر بقائی** - کی ؟ **فولادوند** - همینکه شما میفرمائید .

دکتر بقائی - آقای فولادوند شناختند کی بود .

فولادوند - بخدا همان سرتیب دزدها شما را فریب دادند . مادیدیم که این سرتیب دزدها چه کارها کردند .

دکتر بقائی - ما دیدیم که مرز کرمانشاه را باز کردند نگذارید دهن من باز بشود می دیم که مرز کرمانشاه را چطور باز کردند غلها را بردند بیرون نگذارید بگویم کی باز کرد نگذارید دهن من باز بشود و الا اسراری بگویم اینجا که همه تان خجالت زده در اینجا سرتان را باین بیندازید بروید بیرون . . .

آصف - همه را نکوید ، اشخاصی در اینجا هستند که بشروطیت خدمت کرده اند ، از اول مشروطیت خدمت کرده اند .

دکتر بقائی - دست آنها را میبوسم که خدمت کرده اند ، پیش از اهرام میبوسم ولی کسانی که میگویند اگر اجازه بدهند بگویم که چطور مرزها باز شد و چطور غلها بیرون رفت آنوقت چیزی هائی بر شما مشکوف خواهد شد حالاً من میفهم .

دهقان - اگر خیانتی را بدانید و نکوید خودتان خیانت کرده اید .

دکتر بقائی - نمیتوانید بشنویید .

رئیس - اگر بخواید شلوغ کنید من جلسه را ختم میکنم . آقای دهقان ساکت باشید .

دهقان - آخر وقتی میگوید همه دزدی کرده اند یعنی چه ؟ بشما بر میخورد بنهم بر میخورد (زنک رئیس)

دکتر بقائی - همه را نمیکوم آقای دهقان خیر در خانه صاحبش را راه میرد کل شبی یرجع الی اصلی همه میدانند که مقصود من همه نیست ولی در این زبان شیرین فارسی یک امثالی ما داریم که خیلی حکیمانه است خیلی عمیق است فقط یک مثلش را عرض میکنم توضیح هم نیدهم که مجلس متشنج بشود یک مثلی هست در زبان فارسی میگوید خوب را که برداشتی گریه زده در میرود حساب کار خود را میکند آقایانیکه در این مجلس حضور دارند و اکثریشان مردمان شریف و صحیحی هستند هیچکدام کر نیستند همه هم بشئون خودشان علاقه مند هستند حاضر نیستند کمترین توهینی با آنها بشود حاضر نیستند کوچکترین توهینی را تحمل کنند چطور است که بعضی حرفها که من میزنم فقط چند نفر معدودی میگویند آقا مجلس توهین کردی مگر شما وکیل سایر و کلاه هم هستید ؟ آنها خودشان زبان دارند و اگر توهین بشود خود آنها بدهن من میزنند مگر شما وکیل سایرین هم هستید ، پس بدانید اگر من حقیقتی را میگویم اشخاص شریفی که در اینجا هستند توهین تلقی نمیکند ولی موضوع موضوع همان سیخی است که در جلسه اول عرض کردم که داغ شده است موضوع همان موضوع خوبی است که وقتی بر میدارند گریه دزد حساب کار خودش را میکند و بهین جهت گفتم کسانی که ضعف قلب دارند در مجلس نمانند .

رئیس - آقای دکتر بقائی شما دارید از روی خودتان خارج میشوید اینجا هیچ مربوط نیست .

دکتر بقائی - بر میگردد .

فولادوند - آقای دکتر بقائی نصف این و کلا بوده اند در شهرهایی که من قاضی بوده ام من بشما احترام میکنم من میگویم یک عهه که دزد بودن و سکنار شان گذاشتند از ضعف شما استفاده کردند من از این مجلس هم میروم و شما هم خواهش میکنم هر قتان را بزیند

دکتر بقائی - در شغل معاوتت دروس

دانشگاه جنک در دوسه سال متوالی در دوره های اطلاعاتی ، امرای ارتش میدانند همه سال یک دوره ای هست که دوره تکمیلی است ، هر سال امرای ارتش از همه ولایات میآیند و ده یا نوزده روز طول میکشید ، یک کنفرانسهایی در شهریور ماه برای ۱۰ روز تشکیل میشد از طرف مشارالیه سخنرانیهای میشد که از یکطرف باعث اغفال اعلیحضرت فقید و از طرف دیگر اسباب گمراهی امرا میشد چنانچه در آخرین دوره کلاس مزبور پس از مطمئن ساختن امراء و فرماندهان به مؤثر و کافی بودن پوشش مرزها بیک رشته سخن رانیها راجع بامکان تعرض بشکوه های هم جوار پرداخت که مسلماً منظور مشار الیه از این عمل فقط خوشتر قومی نزد اعلیحضرت فقید بوده است البته آقایان محترم بجنبه خطر ناک تعمیم و تبلیغ یک چنین افکار خطرناک بخوبی می بینند در روز عید نوروز ۱۳۲۰ در موقع سلام در حضور کلبه افسران مشارالیه در جواب سؤال اعلیحضرت فقید راجع بچگونگی وضعیت دانشگاه جنک عرض کرد که دانشگاه جنک ایران بهترین دانشگاه جنک دنیا است ، در شهریور ۱۳۲۰ مشارالیه رئیس رکن یکم ستاد ارتش بود که البته ارزش و نتیجه عمل ستاد مزبور بر همه واضح و آشکار شده است ضمناً کن سوم ستاد مزبور یعنی هدایت عملیات با تیمسار سر لشکر عبدالله هدایت رفیق و همکار مشار الیه بود ، جمله ارسطو را من دوباره مجبورم ذکر کنم میگوید من افلاطون را دوست میدارم ولی حقیقتاً بیشتر دوست میدارم (بعلاوه مشار الیه ، همان مشارالیه ، در آن سال عضو شورایی نظام بود و شورای مزبور موظف به پیش بینی های لازم از نظر دفاع کشور بوده است و در نتیجه یکی از مسئولین حقیقی پیش آمد شوم سوم شهریور ۲۰ از نظر نظامی همین شخص بوده است . پس از اقتضای تاریخی سوم شهریور که این شخص در نتیجه و مسئولیت آن سهم بسزائی داشت بیک مرتبه تغییر قیافه داده و با متقدمین دوره بیست ساله هم زبان شده و شروع بانشار توتلیغات شومی نمود که از نظر مثال چند جمله آنرا که در ضمن سخنرانیها بیکه در آذرماه و دیماه ۱۳۲۰ در دانشگاه جنک و باشگاه افسران لشکر یکم ایراد کرده است بعرض میرسانم و ضمناً عرض میکنم که این سخنرانیها عیناً بعرض پیشگاه ملو گانه هم رسیده است بر طبق مدارکی که در اینجا میتوانم ثابت کنم ضمناً از لحاظ ارادتی که به بعضی از همکاران دارم نمیخواستم که آن جریان جلسه اول را تجدید کنم و الا اول سخنرانی را میخواندم و آقایان همه بمن فحش میدادند و من میگفتم کمال من نبود و باعث تعرض آقایان قرار نمیکرفت باین جهت از آقایان خواهش میکنم که باینها گوش بدهند این سخنرانی از فرمایشات مشارالیه یعنی تیمسار معظم سیه بوزم آراء است در حضور کلیه استادان و دانشجویان دانشگاه جنک در آذر و دیماه ۱۳۲۰ : شکست ارتش ایران را در محافل غیر نظامی بعدم آموذگی و عدم میهن پرستی افسران نسبت میدهند این جریانات هنوز درج نشده و هیچ مدرکی از آنها در دست نیست ولی سعی میشود که یک یک آنها را چنانچه از گزارشات فرماندهان واحدها و رؤسای ادارات و افسران فراری و زندانی که بستان ارتش تقدیم شده بر میآید بعرض برسانم یک قسمت هائی راجع بوضعیت کشور را ایشان

تشریح کرده اند که خیلی شیرین است در اطراف کشور سدهای کوهستانی وجود دارد که برای حفظ کشور بخوبی میتوان از آنها استفاده نمود معهدا مرزها خیلی طولانی و نسبتاً کم سکنه هستند سکنه طبق مدارک اروپائی از ۹ تا ۱۵ میلیون و طبق مدارک ایرانی از ۱۵ تا ۲۰ میلیون است یک میلیون شهر نشین و توده اهالی که افلا ده قرن از تمدن عقب هستند دستورات و اوامر مرکز بپرد آنها نمیخورد چراغ نمی دانند چیست علف میخورند و وحدت ملی ابدأ وجود ندارد در خوزستان عرب هستند و با سایرین کاملاً متمایزند عربی هم حرف میزنند (بادآوری میکند اینها فرمایشات تیمسار معظم است یادتان نرود بمن نیرند در شمال ترک هستند و وضعیت خاصی دارند اگراد با نژاد مرکزی ارتباطی ندارند یک ملت بخصوصی برای خود قائلند دررگان نژاد ترکمن هستند در شیخ جام نژاد افغانی (صحبت نژاد است) و در جنوب ترسیستان در خارج از مرز هر چه کاری نشده هر چه هست فقط در تهران است در مذاهب یک میزانی را قائل هستیم که بیشتر باعث ضعف ماشده است این ملل مختلف - این ملل مختلف جوششان میسر نیست این ملل مختلف جوششان میسر نیست (امامی اهری - بقیه اش را هم بخوانید) میخوانم تماش را میخوانم که فکر نکنید از تو افتاده : اقتصاد - فلات داخلی کویر است و هیچ چیز ندارد»

اولا این نسخه را که آقایان می بینند من با احترام دست میکنم و بر میدارم برای این است که هم ارزش تاریخی دارد هم احترام دارد برای اینکه عیناً این نسخه بشرف عرض اعلیحضرت همایونی رسیده و در گوشه های ما هم یادداشت هائی از مرحوم سر لشکر ریاضی بخط خود او نوشته شده، هر کدام از آقایان میل داشته باشند و خط او را بخاطر داشته باشند بیایند به بینند و میتوانند از حضور اعلیحضرت هم استفسار بکنند البته ایشان عرایض بنده را تصدیق خواهند فرمود ولی از خود اعلیحضرت استفسار شوده از وزارت دربار زیر امکان است وزارت دربار اعلامیه صادر کند و تکذیب کند اما متأسفم یک چیز عرض کنم اینجا که وزارت دربار هم یکی از آن دستگاه هائی است که با اعلیحضرت محبوب ما خیانت میکند ، وزارت دربار نباید دروغ بگوید، نباید اعلامیه دروغ صادر کند و باعث توهین بمقام شامخ سلطنت بشود ، آقایان این هم باز همان فلسفه اتمام حجت است که برگشتیم عرض کنم یک روزی چون من افتخار داشتم که عضو شورای عالی تربیت بدنی باشم یک روز که شوری تشکیل شده بود بنده را هم فرمودند بروم بحضور اعلیحضرت وقتی جلسه ختم شد از کاخ مرمر از پله ها آمدیم پائین توی آن پله های زیبا تلاقی کردم با جناب آقای جم وزیر دربار با ایشان عرض کردم که وزارت دربار بایستی حافظ شئون مقام سلطنت باشد بایستی مبری از هر عیب باشد و تنگ است که وزارت دربار اعلامیه دروغ صادر کند، با ایشان مخصوصاً تعرض کردم من همیشه اتمام حجت میکنم . با ایشان عرض کردم اعلیحضرت تشریف برده بودند با سفهان خدای نکرده سوء تصادفی پیش آمد طیاره سقوط کرده و بطوری هم سقوط کرد که مردم اصفهان خبر شدند و ریختند توی مساجد بدعا کردن ، بطوری هم سقوط کرد که پای مبارک اعلیحضرت همایونی زخم شد ،

رئیس - کشور ایران وضعت طوری است که ممکن نیست آلت کسی بشود .

دکتر بقائی - عرض کنم یک موضوع دیگر که یکی از تلخ ترین توهین هائی است که من بفرد خود تلقی میکنم و یقین دارم که هر ایرانی هم همین توهین را بفرد خودش تلقی میکند ، یک اعلامیه دیگر مال وزارت دربار است که آتراه من مجبورم در اینجا بگویم که نگویند توهیم حقایق را نگفتی . آقا اینها بی نقشه نمیشود ، اینها تصادف نیست تصادف یک چیزی است که یک دفعه در مقابل میلیونها دفعه اتفاق بیفتد وقتی که مسلسل پشت سرهم اتفاق افتاد با این اسم تصادف نمی توان داد . در یک روز در تمام روزنامه های تهران دو اعلامیه درج شد یکی از طرف وزارت دربار مصر . وزارت دربار مصر نوشته بود ... (زنك رئیس)

رئیس - وارد این موضوع نشوید .

دکتر بقائی - این خیانت وزارت دربار است **رئیس** - نه وارد نشوید .

دکتر بقائی - روی خواهش جناب آقای رئیس مجلس از ذکر این خیانت دوم وزارت دربار صرف نظر میکنم (امامی اهری - راجع بدولت بفرمائید) بدولت هم میرسیم ، اگر مدد کند دنباله فرمایشات تیمسار معظم سیهبد رزم آراه رئیس ستاد محترم ارتش که در آن موقع البته رئیس ستاد نبودند و سر لشکر بودند «اقتصاد فلات داخلی کویر است و هیچ چیزی ندارد» (امامی اهری - بنده فقط آن جمله را گفتم بقیه اش را نگفتم) بله جمله اخیر این است ؛ در مذاهب یک میزانی را قائل هستیم که بیشتر باعث ضعف ماشده است ، این ملل مختلف جوششان میسر نیست، حالا اقتصاد را نمی خوانید ؟ (امامی اهری - نه متصوم همان جمله بود) «مواصلات در سنوات اخیر ترقی کرده در ۱۹۱۴-۱۸ یعنی سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ زوس ها و انگلیس ها راه هائی ساخته و بایران داده اند امروزه دارای شمالی و جنوبی و جاده های عرضی

هستیم ، راه آهن سراسری مهابد نظامی زیادی دارد و سایل کم و بهره کافی هم نمیده ؛ دو سوم بودجه بمصرف راه های مازندران رسیده است در باختر و شمال جاده ها خوب نیستند وضعیت نظامی این بیست ساله را میتوان بدو قسمت تقسیم نمود یکی از کودتا تا سال ۱۳۱۰ و یکی تا بحال یعنی از سال ۱۳۱۰ تا بحال ، در کودتا ارتش منظمی نبود ، بعد از کودتا قزاق زاندارم و بریگاد را یکی کردند و سازمان آنها روی این اصل بود که مراکز آنها در نقاطی باشد که بتوانند مانع از شرارت عشاری بشوند تا ۱۳۱۰ عشاری مقهور شدند از ۳۱۰ به بعد ارتش برای جنگ با خارج تهیه کرده اند ولی کادر و وسائل لازم (اینها را دقت بکنید که کلمات را من تند میخوانم ولی شامتند گوش ندهید) ارتش را برای جنگ با خارج تهیه کرده اند ولی کادر و وسائل لازم بود» (یکی از نمایندگان - یعنی اگر لازم بشود) در آن صورت میگفتند دفاع جنگ با خارج حمله است خوب من که تقصیر ندارم آقایان تفسیر کردند من جواب دارم **رئیس** - تازه آنهم ضرری ندارد اگر کسی حق ما را تضییع کرد ضرری ندارد توموقی که همه مان از بین برویم (صحیح است - احسنت)

دکتر بقائی - این نداها از غیب بمن میرسد این توضیحاتی که میرسد « ولی کادر و وسائل لازم بود هنگ ها با اسم لشکر خوانده شدند هنگ ها با اسم لشکر خوانده شدند بدون در نظر گرفتن افسران و وسائل لازم فقط نفقات را زیاد کردند (ملاحظه بفرمائید با این توضیحاتی که در مجلس داده شد این قسمت آخری کم خواندم خیلی روشن تر شد و من از این توضیحات خیلی متشکر شدم» افراد ابتدا بنیچه بودند نظام وظیفه شد پولدارها در صف نبودند پولدارها در صف نبودند نفقات هر منطقه در داخل منطقه متوسط خدمت میکردند سربازان ما فائده همه گونه تعلیمات بودند» این را توجه بفرمائید این یکی از همان اشخاصی است البته من این را برانتر باز کردم یکی از همان اشخاصی است که بعرض اعلیحضرت قلمه میرسانه که ارتش ایران در دنیا از همه حیث اول است .

امامی اهری - دانشگاه جنگ را گفت .

رئیس - دانشگاه جنگ را گفت .

دکتر بقائی - در آن موقع این حرفها را نزدیک آقای امامی اینها دوم مرتبه فرمایشات است، کادر گروهائی ضعیف و شاید صفر بود کمیت داشتند ولی کیفیتی وجود نداشت هیچ اعتمادی نمیتوان با آنها داشت در لشکر یکم هم هر روز چند نفر را شلاق زده و اخراج میکنم آموزشگاه گروهائی را منحل کردم کادر افسری دائماً بعقب رفته و سست شده است در روز های اول دارای یک روح سلحشوری بودند ولی از ۱۳۱۰ بعد افسران فقط در سربازخانه بودند و روجه سستی داشتند در لشکر یکم اخیراً (صحبت آذر ودی ۲۰ است اینها فرمایشات تیمسار معظم رزم آرا است) در لشکر یکم اخیراً در موقع حرکت هنگ بهادر پنج افسر فراری شدند روجه افراد خوب روجه افسران خیلی بد است ، (آقا این نکته اش خیلی مهم است توجه بفرمائید توجه بفرمائید که من نگفتم) افسران دائماً زدنی میکنند هر چه دستشان می آید میزدند

صابون، قند سبزه و غیره... « آقای فرامرزى اگر اینها را از قول خودم گفته بودم حالا من را پاره میکردند **رئیس** - اتفاقاً اینها خیلی خوب است که انتقاد کرده اند .

دکتر بقائی - چون خوب است من دارم میخوانم .

فرامرزى - چون من را خطاب فرمودید مثل اینست که جایش اینجا نیست .

دکتر بقائی - چرا همین جا است « يك افسر پهلوی من آمده میگویی بیست سال با این ترتیب عادت کرده و نمیتواند ترک بگوید باین ترتیب کادر افسری بتمام معنی نالایق است . اسلحه ، بهترین اسلحه ولی تناسبی با هم نداشتند بهترین اسلحه ولی تناسبی با هم نداشتند ۱۵۰۰ هزار تفنگ ، ۱۰۰۰ مسلسل ، ضد ارايه اصلا وجود نداشت ، کلیه کشورهای خارج راجع باین وضعیت در ابهام بودند . در طی استنطاقات روسها با افسر ها میگفتند که ما خیال میکردیم این سازمانها و صورتها که بدست ما افتاده است ساختگی است تعلیمات فقط يك مانور تابستانی داشتیم و يك رژه زمستانی » (باز برانتری خودم باز کم در آن دوره تعلیمات مدارس ما هم همین بود يك رژه ۱۵۰ بهمین بود يك رژه چهار آبان بقیه اش پشاهنگی و منظریه برای تهیه این دوتا رژه و اجمالاً هم بعد از این دوباره فرهنگ بهمان صورت در خواهد آمد با اضافه اداره سازمان شیر و خورشید یعنی در فاصله دوره که باید بدهند در فاصله اینها میروند گدائی میکنند بعد هم تهیه رژه میکنند شاگرد ها . برانتر بسته) « فرماندهان عالی رتبه نداریم چون تعلیمات نبوده همه فاقد اصول فرماندهی هستند ستادها میزها بنویس است ، امراء روی سوابق و آشنائیا روی کار آمده اند گاهی بعضی از امرا روی شخصیت خود عمل مینمودند مانند فرمانده غرب (نمیدانم کی بود فرمانده غرب ، تیمسار بودید؟) (وزیر جنگ - آتوقت خیر) (بسیار خوب) ، باین ترتیب کادر امرا ارزشش صفر نه اطلاعات علمی و نه تجربیات جنگی دارند فقط ظاهر بلندن . روابط با همسایه ها...»

این نکته هم خیلی جالب توجه است ، روابط با همسایه ها - یادتان نرود این حرف من نیست (امامی اهری - اینکه بسیار خوب است) من میدانم خوبست ولی یاد آوری میکنم چون آقای باتماقنچ بابک لوله ای آمدند اینجا (خنده نمایندگان) « روابط ما با همسایه ها خوب بود در دو سال قبل میخواستیم بروسیم حمله کنیم» (فرامرزى - اینها منع قانونی دارد شما خلاف قانون بفرمائید) این سخنرانی است که در حضور کلیه افسرها شده (دهقان - شما چرا اسرار ارتش را اینجا میخوانید ؟ برخلاف مصلحت مملکت است) بلی باز مصلحت مملکت در آمد باز ، مصلحت مملکت در آمد مملکت را دارند آتش میزنند و اگر يك سخنی که شش سال پیش در حضور چند هزار نفر گفته شده ، نه یکبار ، شش بار تکرار شده بعرض اعلیحضرت همایونی رسیده ، همه میدانند ، دیگر آن پوسیده ترین معالک که جاسوس هایش از همه پیروز تر هستند آنها خبر دارند (خنده نمایندگان) آنوقت حالا که میخوانم این را و مقدمه حمله بار باب

فرامیدم این را میگویند مصلحت مملکت، بیگانگان، آقا وسیله بدست بیگانگان نهدید ، آقا من که نیگویم خیال داشت ، این را تیمسار معظم گفته اند عجب ، عجب ، مصلحت مملکت ، کدام مملکت؟ اینها توی روزنامه ها نوشته شده مال شش سال قبل است مال امروز نیست نامه خصوصی هم نیست ولی ما هم نامه های خصوصی داریم اما از سر نوشت مرحوم محمد مسعود من یک قدری بند گرفتیم (خنده نمایندگان) آنها را در نیآورم ما باین مدارک روشن فملا صحبت میکنیم آن نامه های خصوصی هم در جاهائی که پهلوی من نیست محفوظ است اگر يك روزی ، جناب آقای دهقان نماینده محترم خلخال محکمه ای تشکیل شد و خواستند بتحقیق رسیدگی کنند . اگر یک روزی حربه مصالح عالیه مملکتی مرتباً توی سر من نخورد آنروز آن مدارک را هم میگویم بیاورند ولی فعلاً آن مدارک را در اینجا ذکر نمیکنم فقط چیز هائی را میگویم که شما از هر افسر شریفی که در این کنفرانس بوده پرسید از هر افسر شریفی پرسید شما خواهد گفت که ما اینها را شنیدیم و خیلی هم بدان آمد خیلی از این افسران در آن موقع آمدند و این حرف را بمن زدند ، آنها تیکه نمیدزدیدند .

بعضی از نمایندگان - آتهائی که میدزدیدند **رئیس** - گزارشهای خیلی خوبی داده است من نمیدانم کی بوده است ، من علاقه مندم تمام را بخوانید .

دکتر بقائی - میگویی افسران دانشمندی میکنند ، میکنند ، نه اینکه میکردند . میکنند اگر همین يك جمله را که آقایان همه تصدیق دارند و من گذاشتم مخصوصاً چندین دفعه تصدیق شود بنده قبلاً این حرف را زدم که کاملاً اخذ سند بکنم ، چندین دفعه آقایان محترم گفتند که این حرفها صحیح است ، شهادت کردند گفتند بسیار صحیح است آقایان گفتند همه تان دیدید که گفتند بلی حرفهای خوبی زده است ولی يك جمله از این حرفها را اگر من خودم گفته بودم یا اینکه نگفته بودم قبلاً که فرمایش آن تیمسار معظم است ، اگر يك جمله را از قول خودم گفته بودم آقایان خودتان بهتر میدانید که مجلس چه صورتی پیدا میکرد چون کراراً دیده شده است دیده ایم در این مجلس که تايك کسی پشت تریبون گفته (ر) از همه طرف باو حمله شده تايك کسی گفته که نمیدانم او را در دور کلاه افسران چطور است و حمله شده برای اینست که حالا چون قول مبارک خودشان است همه گفتند بسیار خوب است ولی وای اگر اینها را من از قول خودم بگویم . « بلی در دو سال قبل میخواستیم بروسیم حمله کنیم یعنی در سال ۱۳۱۸ و ویگان در سوره طرح هائی تنظیم مینمود تا يك میلیون نفر میخواستند بما تحویل کنند که نفر حاضر کنیم فشار انگلیسها برای حمله بروسها زیاد بود شورای عالی جنگ در دو سال پیش اظهار کرد که ارتش ندارم که جنگ کنیم ، گزارش مربوطه را شاه فقید پاره کردند و میخواست همه اعضای شورا را بدادگاه تسلیم و اعدام کنند . روسها بما خوشبین نبودند در دو ماه قبل از وقایع اخیر انگلیسها روسها با هم سازش و تقاضای نرا تریز شمال و جنوبی و ضمناً اخراج آلمانها را میکردند و میخواستند راه های آزادی در ایران داشته باشند در این تاریخ يك فرضیاتی میشد که

فرامیدم این را میگویند مصلحت مملکت، بیگانگان، آقا وسیله بدست بیگانگان نهدید ، آقا من که نیگویم خیال داشت ، این را تیمسار معظم گفته اند عجب ، عجب ، مصلحت مملکت ، کدام مملکت؟ اینها توی روزنامه ها نوشته شده مال شش سال قبل است مال امروز نیست نامه خصوصی هم نیست ولی ما هم نامه های خصوصی داریم اما از سر نوشت مرحوم محمد مسعود من یک قدری بند گرفتیم (خنده نمایندگان) آنها را در نیآورم ما باین مدارک روشن فملا صحبت میکنیم آن نامه های خصوصی هم در جاهائی که پهلوی من نیست محفوظ است اگر يك روزی ، جناب آقای دهقان نماینده محترم خلخال محکمه ای تشکیل شد و خواستند بتحقیق رسیدگی کنند . اگر یک روزی حربه مصالح عالیه مملکتی مرتباً توی سر من نخورد آنروز آن مدارک را هم میگویم بیاورند ولی فعلاً آن مدارک را در اینجا ذکر نمیکنم فقط چیز هائی را میگویم که شما از هر افسر شریفی که در این کنفرانس بوده پرسید از هر افسر شریفی پرسید شما خواهد گفت که ما اینها را شنیدیم و خیلی هم بدان آمد خیلی از این افسران در آن موقع آمدند و این حرف را بمن زدند ، آنها تیکه نمیدزدیدند .

بعضی از نمایندگان - آتهائی که میدزدیدند **رئیس** - گزارشهای خیلی خوبی داده است من نمیدانم کی بوده است ، من علاقه مندم تمام را بخوانید .

دکتر بقائی - میگویی افسران دانشمندی میکنند ، میکنند ، نه اینکه میکردند . میکنند اگر همین يك جمله را که آقایان همه تصدیق دارند و من گذاشتم مخصوصاً چندین دفعه تصدیق شود بنده قبلاً این حرف را زدم که کاملاً اخذ سند بکنم ، چندین دفعه آقایان محترم گفتند که این حرفها صحیح است ، شهادت کردند گفتند بسیار صحیح است آقایان گفتند همه تان دیدید که گفتند بلی حرفهای خوبی زده است ولی يك جمله از این حرفها را اگر من خودم گفته بودم یا اینکه نگفته بودم قبلاً که فرمایش آن تیمسار معظم است ، اگر يك جمله را از قول خودم گفته بودم آقایان خودتان بهتر میدانید که مجلس چه صورتی پیدا میکرد چون کراراً دیده شده است دیده ایم در این مجلس که تايك کسی پشت تریبون گفته (ر) از همه طرف باو حمله شده تايك کسی گفته که نمیدانم او را در دور کلاه افسران چطور است و حمله شده برای اینست که حالا چون قول مبارک خودشان است همه گفتند بسیار خوب است ولی وای اگر اینها را من از قول خودم بگویم . « بلی در دو سال قبل میخواستیم بروسیم حمله کنیم یعنی در سال ۱۳۱۸ و ویگان در سوره طرح هائی تنظیم مینمود تا يك میلیون نفر میخواستند بما تحویل کنند که نفر حاضر کنیم فشار انگلیسها برای حمله بروسها زیاد بود شورای عالی جنگ در دو سال پیش اظهار کرد که ارتش ندارم که جنگ کنیم ، گزارش مربوطه را شاه فقید پاره کردند و میخواست همه اعضای شورا را بدادگاه تسلیم و اعدام کنند . روسها بما خوشبین نبودند در دو ماه قبل از وقایع اخیر انگلیسها روسها با هم سازش و تقاضای نرا تریز شمال و جنوبی و ضمناً اخراج آلمانها را میکردند و میخواستند راه های آزادی در ایران داشته باشند در این تاریخ يك فرضیاتی میشد که

آلمانها دست زیادی داشتند و آلمانها میگفتند که در شمال لازم نیست توجهی داشته باشید فقط فقط از باختر است (فرامرزى - چه نتیجه ای میخواهید بگیرید) نتیجه را خود میدانم چه نتیجه ای میگیرم نتیجه میخواهم پرده جنایت و خیانت را بالا برنم میخواهم مسبب این افضاحات را نشان بدهم میخواهم نشان بدهم که این انتخابات مفتضح مؤسسان را کی درست کرده و چرا درست کرده و چطور دارند بشاه محبوب ما خیانت میکنند (کشاورز صدر - چون شما انتخاب نشدید؟) بلی چون من انتخاب نشدم آقای صدر کشاورز چون من انتخاب نشدم .

رئیس - بفرمائید آقای دکتر بقائی . **قبادیان** - آخر از این اسرار بیگانگان استفاده میکنند .

دکتر بقائی - اسرار ، اسرار ، آقا بیگانگان از این اسرار استفاده خواهند کرد . دارند اسرار را فاش میکنند من مشغول خیانت بوطن هستم دارم اسرار ارتش را فاش میکنم ولی آقای قبادیان من فرصت راجع با ملامت ندارم (خنده نمایندگان)

غضنفرى - آقا تان این حرفهای شما خیانت است **قبادیان** - این حرفها بضرر مملکت است آقای دکتر بقائی .

رئیس - آقای قبادیان شما اخطار میکنم نظم جلسه را رعایت کنید .

دکتر بقائی - من گفتم راجع با ملامت صحبت نمیکنم ، راجع بخیلی چیزها صحبت نمیکنم .

رئیس - نيمساعت بعد از ظهر است ، پیشنهادی شده که عصر جلسه بشود

مکی - مخالفم آقا . **دکتر بقائی** - آقا پیشنهاد کردند و آقای مکی مخالفند .

رئیس - تکلیف مجلس را من باید معلوم کنم حالا نیمساعت بعد از ظهر است سه ساعت شما صحبت کرده اید سه ساعت دیگر مانده است، جلسه را ختم میکنم جلسه آینده ساعت ۵ بعد از ظهر .

(مجلس نیمساعت بعد از ظهر بعنوان تنفس تعطیل وساعت شش و ربع بعد از ظهر بریاست آقای ایلخان (نایب رئیس تشکیل گردید)

اردلان - آقای رئیس بنده اجازه میخواهم . **نایب رئیس** - راجع به چه موضوعی اجازه میخواهید ؟

اردلان - نماینده محترم آقای دکتر بقائی راجع بانجاد جمهائیر شوروی بیاناتی کردند که میشود سکوت کرد، بنده اجازه میخواهم چند کلمه در اطراف اظهارات ایشان صحبت کنم .

نایب رئیس - اگر فرمایشی دارید مختصراً همانجا بفرمائید .

اردلان - اجازه بفرمائید دو کلمه مختصر عرض میکنم .

مکی - بنده اخطار دارم .

نایب رئیس - بعد از آقای اردلان . بفرمائید آقای اردلان . مطابق نظامنامه مجلس شورای عالی هر وقت يك ناطقی صحبت کرد ناطق دیگر نمیتواند صحبت او را قطع کند وقتی که بیانات اوتامام شد جلسه بعد که شروع میشود مطابق نظامنامه میشود صحبت کرد

ایشان يك مطلب واهی خیالی موهومی را در اینجا خوانند که درمغز هیچ ایرانی در هیچوقت پرورش نیافته که باتحاد جماهیر شوروی حمله بشود (صحیح است) ما ایرانی ها همیشه گفته ایم ، خود بنده در دوره ۱۴ ، در دوره ۱۵ همیشه اینجا گفته ام که ما ملت ایران طالب دوستی شرافتمندانه با اتحاد جماهیر شوروی هستیم (نمایندگان - صحیح است) و در عین حال همیشه گله مندی از این رادیو های سری داشتیم و داریم (صحیح است) و انتظار هم داریم که اتحاد جماهیر شوروی از این رادیو ها جلو گیری بکند ولی هیچوقت ملت ایران ، مردم ایران نظر حمله به بیچیک از همسایگان خود نداشته و نخواهد داشت (نمایندگان - صحیح است) اساساً هیچوقت يك خبر واهی را نباید در اینجا قرائت بفرمائید (دکتر بقائی - واهی نیست سند دارم) اجازه بفرمائید این حرفها هیچوقت سندیت ندارد و ما بهیچوجه ترتیب اثر نمیدهیم (دکتر بقائی - نباید هم بدیم) بنده اگر نسبت باین موضوع سکوت اختیار میکردم بنظر من صلاح نبود (دکتر بقائی - بنده هم همین را میگویم بسیار کار خوبی کردید) باز هم تکرار میکنم که ما مردم ایران دوستی شرافتمندانه را با تمام همسایه ها ما خواستاریم (نمایندگان - صحیح است) و بهیچوجه درمغز هیچ ایرانی هیچوقت فکر حمله بهیچ همسایه ای نبوده و نخواهد بود (صحیح است) و امیدوارم این موضوع واهی را که جنابعالی فرمودید هیچ سوء اثری نکند .

نایب رئیس - آقای مکی اخبار در این مطابق چه ماده ای ؟
مکی مطابق ماده ۱۱۵ .
نایب رئیس - ماده ۱۱۵ قرائت میشود .
مکی - بنده خود بخوانم .
نایب رئیس - علی الاصول منشی ها میخوانند .

(شرح ذیل قرائت شد)
 ماده ۱۱۵ - رئیس قبل از اینکه جلسه را ختم نماید در باب دستور جلسه آیه یعنی تعیین روز و ساعت و موضوع مذاکرات بمجلس رجوع مینماید دستوری که باین ترتیب قرار داده شده است در محوطه مجلس و در روزنامه رسمی اعلان خواهد شد ولی مجلس در هر موقتی که لازم بداند میتواند دستور خود را تغییر بدهد .
نایب رئیس - در این باب چه اعتراضی دارید ؟ بفرمائید .

کشور باشد که هیچوقت بخودش اجازه اظهار خلاف حقیقت را ندهد مسلماً مقام سلطنت است کمبری از هر گونه نقیصی است و باین جهت خواهش میکنم باین نسبت واهی ننهد چون آنوقت نه تنها توهین به بنده خواهد بود بلکه توهین بمقام سلطنت هم خواهد بود و البته تیسار رزم آراء هم راضی نخواهد بود که بیان ایشان را بیان واهی بدانند يك موضوع دیگری که بایستی قلاً عرض کنم با کمال مسرت اگر بشود گفت این است که اطلاع حاصل کردم هیئت محترم دولت در اثر استیضاح بنده برای دفاع از آزادی و توسعه آزادی اقدامات خیلی مؤثری فرمودند و این طلیعه ای است از نتایج استیضاح بنده و آن توقیف دو روزنامه است یکی روزنامه ندای آزادی بجرم اینکه شرح حاز و مصاحبه ای از بنده را درج کرده است و دیگری روزنامه انسان آزاد و از این هم نتیجه میگیرم که هرچه توش اسم آزاد و آزادی است باید توقیف شود باین جهت بجناب آقای آزاد نماینده محترم تذکر میدهم که مواظب خودشان باشند (خنده حضار) و همچنین آقای کریم آزادی رئیس چایخانه مجلس چون این ها هم هر دو اسمشان آزادی است البته باید توقیف بشوند این را هم خواهش میکنم بفرمانداری نظامی اطلاع بدهید و خود جناب آقای اردلان هم میتوانند الان تشریف بیاورند اینجا که ببینند این مدارک واهی نیست بهتان عرض کردم که این اوراق عیناً بدست مبارک اعلیحضرت همایونی رسیده است ولی البته همانطور که جنابعالی فرمودید هیچ ایرانی با این بیانات موافق نیست و بنده هم همین را میگویم و از این تأیید غیبی جنابعالی هم کمال تشکر را دارم ، دنباله همان سخنرانی ها است يك صفحه بیشتر نمانده است « شورای عالی جنگ در دو سال پیش اظهار کرد ارتش نداریم جنگ کنیم گزارش مربوطه را شاه سابق یاره کرد و میخواست همه اعضاء شورا را بداد گاه تسلیم و اعدام کند و سها با خوشبین نبودند و در دو ماه قبل از وقایع اخیر انگلیسها و روسها با هم سازش و تقاضای ترانزیت شمال و جنوبی و ضمناً اخراج آلمانی ها را میکردند و میخواستند راههای آزادی در ایران داشته باشند ،

نایب رئیس - راجع بپاره ۱۱۵ بفرمائید **مکی** - بنده خواستم دلیل خودم را بیاورم که ایشان امروز دیگر قادر بشکلم نیستند الان هم بشهادت آقای دکتر راجی و چند نفر از آقایان بندمرفته ام با دوا ایشان را حاضر کرده ام که بتوانند باستیضاح ادامه بدهند بنده خیال میکنم که اینقدر فشار و تضییق با قلیت وارد آوردن در هیچیک از مجالس دنیا سابقه نداشته باشد که يك ناطقی را تحت فشار و منگنه بگذارند که اینطور صحبت کند مطابق سیره و سابقه هم اگر باشد جلسه باید بکروز در میان تشکیل بشود تا ناطق هم بتواند صحبت کند .

نایب رئیس - بنده کرا آراء عرض کرده ام که اخبار همیشه مربوط برئیس و هیئت رئیس است مخصوصاً در این جا اخبار آقای مکی مورد ندارد برای اینکه حق تنفس برئیس است (صحیح است) جلسه را ختم نکرده است بملاوه قریب چهل نفر از آقایان نمایندگان تقاضای جلسه عصر کردند و بعد رئیس مطرح کرد در مجلس هم همه تصدیق کردند (مکی - من مخالف بودم) پس علیهذا اگر شما يك پیشنهادی تقدیم میکردید آنوقت مبیاستی طرح میشد و مخالف و موافق هم صحبت میکرد بصدای گرفته میشد و الا بشهادت مذاکره مجلس اغلب تصویب صورت جلسات را برئیس بمجلس واگذار میکند یعنی میگوید دیگر صحبتی ندارید تصویب شد اینهم همین طور است وقتی که مجلس قبول کرد که جلسه عصر باشد (دکتر بقائی - ولی ایشان مخالفت کردند) بصر موکول میشود

دکتر بقائی - آقای مکی مخالفت کرد و دستش را بلند کرد و آقای رئیس ترتیب اثر نداد .
نایب رئیس - آقای دکتر بقائی بفرمائید از آقایان نمایندگان محترم ملت تقاضا در موقتی که ناطق صحبت میکند در بین صحبت ایشان صحبتی نکنند و بگذارند ایشان آزادانه بصحبت خودشان ادامه بدهند
دکتر بقائی - بنده اولاً بیانات نماینده محترم جناب آقای اردلان را کاملاً تأیید میکنم و خیلی خوشوقتم که ایشان هم در حقیقت بیانات بنده را تأیید فرمودند زیرا همانطور که عرض کردم آنچه را که قرائت شد عقیده بنده نبود ولی موضوع واهی هم نبود از قدیم گفته اند سیستان اگر دو راست میدانش نزدیک است این چیز هائیکه بنده حضور آقایان محترم قرائت کردم خلاصه ای است از سخنرانی یعنی جملات بر جسته شش سخنرانی تیسار معظم سپهبد رزم آراء رئیس محترم ستاد ارتش که سه سخنرانی را در دانشگاه جنگ و سه سخنرانی را در باشگاه افسران توسط مرحوم سرلشکر ریاضی بشف عرض ملو کانه رسیده است مدارک مثبت بنده بجای خود ولی اگر آقایان حرف بنده و مدارک بنده را قبول نداشتند ممکن است مستقیماً از پیشگاه ملو کانه استفسار بفرمایند و من یقین دارم که اگر يك مقامی در این

ازو بازخواست میشد که این اطلاعات را از کجا آورده ای . اطلاعات صحیح بود ولی از شمال خبری نمیرسید یعنی مرحوم در یادار یا دریا سالار نمایانم بایندر عملاً وطنپرستی خود را ثابت کرد (صحیح است) نه مثل آن (اینجا عرایض خودم است البته) نه مثل آن فرماندهانی که در موقع سوم شهریور فوری سر از یزد و کرمان و کاشان در آوردند و حتی شنیدم که بعضی از آنها با بیژما از تهران سوار شدند و رفتند ولی بعد از آن سر کار هستند و باز هم خواهند بود . « در تهران شورای جنگ تشکیل شد شورا گفت اول نان ، دوم آب ، سوم ، وسیله چهارم فرمانده و پنجم ستاد لازمست بعد پیشنهاد شد بعشائر متوسل شویم ولی عشار از همتی ساقط شده بودند مهذا حاضر بهمکاری شدند . تمام واحد هادرسار باخانه ها ، وسیله تنذیه هیچ ، از ما کو تا جنوب فقط شش هزار کامیون داشتیم و اینها هم فقط کفاف احتیاجات آبی مردم را میکرد » این یکی از اسنادی بود که بنده میخواستم در حضور مجلس شورا بملی قرائت بشود و از توجه آقایان محترم و حوصله ای که برای شنیدن آن بخرج دادند کمال تشکر را دارم . باز هم اسناد قرائت میشود . این سند دوم با اینکه بطبع رسیده است در دسترس همه نیست و با وجود اینکه بنده تقاضا کردم که آن را در دسترس من بگذارند متأسفانه ممکن نشد ولی در بعضی روزنامه ها هم بطبع رسیده بود و بنده از آنجائی که خوشبختانه ملت ایران مرا تأیید میکنند با وجود اینکه شاید آوردن این سند خطر جانی ممکن بود داشته باشد يك افسر شرافتمندی حاضر شد که این کتاب چاپ شده را در اختیار من بگذارند تا من از آن استفاده کنم . این سند اسمش دستور ۴۸ ارتش است میدانم که جنابعالی اطلاع ندارید آقای ساعد و تأسف من هم از این است . این دستور ۴۸ خیلی چیز عجیبی است . ابتدا من تعجب میکردم که چرا يك چیزی که بطبع رسیده و رزم هم نیست و اسرار مملکتی هم نیست آقایان توجه داشته باشید این جزء اسرار نیست چون يك چیزی است که عملش راهم دارم ببینیم ولی عملش را نمیدانستیم عملش در این دستور ۴۸ نوشته شده است و بطبع رسیده است و تمام واحد های ارتشی هم يك جلد از این دارند ولی بطور محرمانه و هیچکس نباید از آن اطلاع داشته باشد ولی بنده يك قسمتهائی از آنرا میخوانم و البته بنده همه اش را نمیخوانم بخوانم چون يك کتابی است که تقریباً ۶۰ ۷۰ صفحه است تعداد صفحاتش را من یادداشت نکرده ام و حالا هم يك تکه های خلاصه اش را میخوانم و بعضی جاها اگر لازم باشد تفسیر میکنم بقیه جاها را خود شنوندگان محترم قضاوت خواهند کرد . پشت جلدش نوشته « بفرمان اعلیحضرت همایونی بزرگ ارتش تشاران فرمانده از تاریخ ۱۰ مهرماه ۱۳۲۶ دستور ۲۳ لافو دستور ۴۸ جایگزین آن میگردد که مندرجات آن در واحدها و ادارات ارتش بواقع اجرا گذارده شود » و وقتی که من این دستورا را میخوانم و این فرمانی که بالایش نوشته شده بود ، خدا از گناهان من بگذرد ، من يك دهنه بی اختیار یاد نوشتجات و دستورات اواخر سلطنت سلطان احمد شاه قاجار و اعلیحضرت فقید چهاردهم اداره کار گزینی . اداره بازرسی کل تحت امر مستقیم وزیر جنگ قرار دارد که بازرسی امور مالی و واداری و فنی طبق وظایفی که برای اداره مزبور

دکتر راجی - بسیار مرد وطنپرستی بود .
نایب رئیس - آقای دکتر راجی وسط نطق ایشان صحبت نکنید .
دکتر بقائی - بلی میدانم بسیار مرد وطنپرستی بود و از اینجا هم بر روان اودرود میفرستم ، ولی همیشه

سکلی تأمین احتیاجات عمومی و بودجه و اعتبارات مورد لزوم ارتش و نیز حسن شهرت و حفظ مقام و سیاست ارتش در کشور برعهده وزیر جنگ میباشد و آماده ساختن ارتش برای جنگ و بکار بردن آن در نبرد برعهده ستاد ارتش « تا اینجا فقط يك جمله اش یکتفسیری زندگی داشت ، حفظ سیاست ارتش . البته ما يك دولتی داریم آن يك سیاستی دارد و يك سیاست هم داریم آنهم يك سیاستی دارد . اجرا کننده سیاست ارتش وزیر جنگ است ولی تهیه کننده آن سیاست کیست نمیدانم . قسمت دومش کاملاً صحیح است و مطابق است باچیز هائی که در سایر جاهای دنیا هست اینجا بنده از روی کتبی که در کتابخانه مجلس در اختیارم هست يك چیز هائی راجع بستان ارتش سایر جاهای دنیا یادداشت کرده ام ولی بفرانسه است و آنرا ترجمه نکرده ام ولی تطبیق کردم البته در همه جا مینویسند که آماده ساختن ارتش برای جنگ و بکار بردن آن در نبرد برعهده ستاد ارتش است تا اینجا پیش را ما قبول داریم . یادتان باشد این دو جمله را مخصوصاً یادتان باشد چون بعداً نقض خواهد شد . « در اجرای این منظور بفرمان بزرگ ارتش تشاران فرمانده رئیس ستاد ارتش کلیه واحدهای نظامی و ادارات ارتش را ۰۰۰۰۰ توجه بفرمائید دومر تبه میخوانم (کشاورز صدر - داریم گوش میدهم بخوانید و بروید) اجازه بدهید دو مرتبه بخوانم آقای صدر کشاورز .

صدر کشاورز - گفتم گوش داریم میدهم بخوانید ، دیگر معطل نکنید .
نایب رئیس - آقای کشاورز صدر اجازه بدهید صحبت کنند .

دکتر بقائی - ۰۰۰ در اجرای این منظور بفرمان بزرگ ارتش تشاران فرمانده رئیس ستاد ارتش کلیه واحدهای نظامی و ادارات ارتش را باستانهای ادارات بازرسی و بودجه که تأییدت مستقیم از وزیر جنگ دارند تحت نظر گرفته ، یعنی کلیه واحدها و ادارات را رئیس ستاد مستقیماً امر میدهد و اداره است که مستقیماً تحت نظر وزیر جنگ است یکی بازرسی کل و یکی اداره بودجه که آن اداره بودجه هم اینطور که شنیده ام منحل شده و راجع بازرسی کل هم فعلاً چیزی عرض نمیکم . « حسن جریان کارها را آقای رئیس ستاد با هم آهنگی کامل بین ادارات و واحدهای نظامی مراقبت نموده و نیز دستورات و اوامر لازم را بواحدها و ادارات برای تأمین احتیاجات واحدها در حدود بودجه مصوبه صادر مینماید . ادارات ارتش بشرخ یابین مینباشند ،

اداره یکم بازرسی کل ، دوم بودجه یعنی فقط اختیارات جناب آقای وزیر جنگ حالا بقیه اش را بشنوید که اینها تحت امر دستور اداره تیسار معظم رئیس محترم ستاد ارتش است . اداره مستشاری بدون نمره . اداره سوم حقوقی اداره چهارم سر رشته داری ارتش اداره پنجم دارائی ارتش اداره ششم مهندسی ، اداره هفتم تویخانه اداره هشتم تسلیحات اداره نهم دادرسی اداره دهم بهداری اداره یازدهم نظام وظیفه اداره دوازدهم اداره امور دواب اداره سیزدهم اداره باربری اداره چهاردهم اداره کار گزینی . اداره بازرسی کل تحت امر مستقیم وزیر جنگ قرار دارد که بازرسی امور مالی و واداری و فنی طبق وظایفی که برای اداره مزبور

(می بینید که احترام وزارت جنگ خیلی بالا رفته ...) در آئین نامه تصریح گردیده در کلیه واحدها و ادارات ارتش میرد ازاد . (خیلی مرحمت فرموده اند نسبت بمقام وزارت جنگ) . سایر ادارات باستانهای اداره بودجه (این را هم نوشته است ولی البته اداره بودجه منحل شده) . بعد طبق وظایف مصرح در آئین نامه حاضر و با استفاده از حد اکثر اختیاراتی که بآنها واگذار شده است تحت نظر و طبق دستورات ستاد ارتش عمل نموده و در حدود بودجه مصوبه از دستورات ستاد ارتش پیروی مینماید . انسان اگر درست این فصل اول را بفهمد مبهوت میشود . مبهوت برای اینکه در سایر جاهای دنیا هم ستاد ارتش هست ، در سایر جاهای دنیا هم ستاد ارتش هست ولی در همه جای دنیا ستاد ارتش دارای چهار یا پنج رکن است که یکی رکن اول است ، یعنی در فرانسه چهار رکن دارد رکن اول تشکیلات و تجهیزات قشون ، رکن دوم آمار نظامی و مطالعات ، آمار نظامی و مطالعات قشونهای خارجی یعنی مخابرات فارسی تر جاسوسی نظامی که در کشورهای خارجه میشود میداند هر سفارتخانه ای يك آتاشه نظامی دارد این آتاشه نظامی کارش اینست که بهر وسیله ای که بتواند يك اطلاعاتی از ارتش آن مملکتی که در آنجا خدمت میکند کسب کند این جزو رکن دوم است . جاسوسی غلط گفتم ضد جاسوسی میشود . در رکن سوم عملیات نظامی و تعلیمات عمومی ارتش ، رکن چهارم راهها و حمل و نقل قوا این چهار رکن را دارد ستاد ارتش فرانسه ، ستاد ارتش جاهای دیگر هم بعضی جاها چهار رکن دارد بعضی جاها پنج رکن دارد ولی ارکان ستاد ارتش علاوه بر آنچه که اینجا نوشته شده است بازم هست يك ارکان مخفی هم دارد که اسمش مجلس مؤسسان است (حاشی زاده - صحیح است) و در این موضوع بعداً صحبت خواهیم کرد ، در هیچ جای دنیا ستاد جنبه پولی و مالی ندارد در کار های پولی و مالی دخالت نمیکند و يك موضوع دیگر هست که در همه جا - های دنیا ستاد يك رئیس مسئول دارد یعنی در مقابل يك شخص مسئولی رئیس ستاد یا بدستور باشد که در مقابل مجلس بتواند جواب بدهد ولی بنده آنچه در این دستور مبارک ۴۸ جستجو کردم که به بنیم رئیس مسئول رئیس محترم ستاد کیست آنرا میدانم که گمان هم نمیکم که کسی پیدا بشود که مسئولیت تمام عملیات ستاد ارتش ایران را بعهده بگیرد و جواب بدهد ، چون ممکن است من هم بعهده بگیرم ولی نتوانم جواب بدهم بنابر این بعهده بگیرد و جواب بدهد . چون در نتیجه طرحها و عملیات و اردو کشی ها ممکن است هم مال تلف بشود و هم جان یعنی در قشون قوا بفرستند یکجائی ، ممکن است اشتباه بشود ممکن هزار پیش آمد بشود هم خون افراد ریخته بشود هم اموال ملت و دولت تفریط بشود باین جهت الزاماً ستاد باید تابع يك مقام مسئول باشد و این عرض بنده هم برای جلوگیری از يك جواب احتمالی است که دیگر مجبور نشوم تکرار بکنم .
 فصل دهم - البته از فصل اول تا فصل دهم ۸ فصل دیگر هم بود اینها چیز های فنی است زیاد بدر دما نمیخورد و میرسیم بفصل دهم وظایف رکن دوم ستاد ارتش ، این رکن دوم عرض کردم که در همه جای دنیا رکن اطلاعات از ارتشهای خارجی است . آمار نظامی است ، استاتیک میلیتری ، که بسوسینه آتاشه های خارجی کسب میشود حالا ببینیم توی این دستور مقدس چهل و هشت چه نوشته شده ؟ راستی یاد آمد آن توجیه

کردم که يك اصلی را از قانون اساسی میخوانند... تغییر بدهند آنها اصل ۴۸ است و همه هم ساکت نشسته ایم ولی اگر بیایند بگویند این دستور ۴۸ را تغییر بدهید آن وقت خواهید دید که چقدر بقره پاره خواهد شد... ولی برای قانون اساسی همه تحمل میکنند و این دستور ۴۸ است اما قانون اساسی چهل سال پیش نوشته شده است.

بطور کلی رکن دوم ستاد ارتش مأموریت کسب اطلاع از کلیه اوضاع واحوال دشمنهای احتمالی کشور را داشته و باید با یکبار بردن کلیه وسائلی که در اختیار دارد از اطلاعات مکتسبه بهره برداری نموده و اطلاعات بدست آمده را تفسیر و تعبیر کرده نتایج حاصله را با نظریه لازم بر مرفر مقامات عالی رسانده و قسمتهای تابعه را بزرگترین جریان اطلاعات مفید بحال آن قسمت بگذارد تا این جا آن چیزی است که در همه جای دنیا هست ما هم قبول داریم.

اما يك - رکن دوم موظف است سازمان کسب اطلاعات خود را در مقابل هر گونه تحریکات بیگانه و خطرات احتمالی مأمورین کسب اطلاعات بیگانه مصون داشته و با اجرای عمل ضد جاسوسی و اعمال ویژه سازمان کسب اطلاعات بیگانه را کشف و طبق مقررات تحت تعقیب مراجع قانونی قرار دهد... این نکته اخیریست در هیچ جای دنیا از وظایف رکن دوم نیست. این وظیفه شهربانی است که آنها را تحت تعقیب قرار بدهد و بعداً با کمربوطه تحویل بدهد، این کار شهربانی است رکن دوم همان طور که گفتم فقط کسب اطلاعات از ارتشهای بیگانه است

۲ - کلیه ارتباطات ارتش با ارتشهای دول بزرگ و همجوار و ارتباط با وابستگان نظامی بیگانه بعهده رکن دوم است و همچنین تعیین و انتخاب افسران برای مشاغل وابسته نظامی و معاونین آنها طبق آئین نامه ویژه ای که مورد تصویب اعلیحضرت همایونی قرار گرفته بار کن من بود می باشد که او این را هم البته خودتان تفسیر میفرمائید.

۳ - در داخله کشور موظف است کلیه اطلاعات را چه در مرزها و چه در داخله عشاير و چه در قسمتهای مختلفه کشوری با کمال دقت کسب نموده و نتایج حاصله را گزارش دهد و باین ترتیب کلیه امور مرزبانی (کلاتر مرزها) از نظر کسب اطلاعات و همچنین اداره امور عشاير و تعقیب سیاست عشايري (بوسیله مأمورین ویژه) جزو وظایف رکن دوم است... قسمتهای مختلفه کشوری چه ارتباطی بستاند ارتش دارد؟ امور عشاير هم بایستی قاعده با وزارت کشور باشد اگرچه در وضعیت فعلی با وزارت کشور هم باشد غیرمتمنل حال است فرقی نخواهد کرد.

۴ - کلیه امور قاچاق اسلحه، این یکی از آن امور خیلی مفید و با فایده است من اطلاعات صحیحی دارم کلیه امور مربوط بقاچاق اسلحه و حمل اسلحه های مجاز و تقسیم و جمع آوری سلاح در داخله کشور بنا بر دستورات مقامات نظامی از طریق رکن دوم انجام میشود... که اینهم يك قسمتش مربوط بوزارت کشور است و قسمت عده اش هم مربوط بشهربانی است در سایر جاهائی که غیر از ما هستند ولی در این جا بستاند ارتش است و همه میدانند يك کاری کدر مملکت ما رواج خیلی زیادی دارد چند هزار تومان از یک نفر بگیرند يك تفنگ برنو بدستش میدهند مثلا باسم یقینلی کجائی این میرود مشغول شرازت

میشود يك تفنگ میفرستند برای دستگیری او مامور و وقشون کشتی خرجها میشود تا این شخص را بگیرند مآوردند و آن تفنگ را از او بگیرند دوباره چند هزار تومان دیگر از او بگیرند و آن تفنگ را باو میدهند و این جریان است که من در کرمان شاهد بودم بکرات تجدید شد بکرات، یعنی يك سارق مشهوری بود در کرمان باسم مراد علی مراد که چند دفعه چند دفعه خدا میداند چند میلیون برای این مراد علی مراد خرج شد، این دزد است، خوب این دزد است چون دزد منصفی است ببخشید انصاف دارد چون خودش میداند دزد است اگر هم بگویند دزد است نمیکوید توهین کردی ولی این دزد عجیب و غریب که سابق قشون کشتهای عجیب و غریب شده بود در پارسال يك تصادف عجیب و غریب در کرمان يك رئیس امنیه صحیح العملی بود که من خوشوقت از اینکه اسمش را اینجا بیارم سرهنگ شقایق و يك فرمانده لشکر شریفی بود باسم سرتیب حجازی این دو تا باهم متحد شدند و رفتند بدون قشون کشتی مراد علیمراد را گرفتند و الان هم در طهران حبس است ولی بعداً ممکن است فرار بکند و بعداً هم برای او قشون کشتهائی بشود برای این که بطوری که شنیده ام بعضی اشخاص که در کرمان و سیرجان جزء حامیان آن دزد بوده اند در تهران با بعضی از مقامات ملاقاتهای کرده اند در صورت اگر يك روزی شنیدید که مراد علیمراد از زندان فرار کرد و دوباره دزدی کرد يك چیزی از این حرف های من یادتان باشد.

۵ - کلیه امور مربوط بجراید و شون (این عین آن عبارتست دستور مقدمه ۴۸ است این شون را توی پراوتر گذاشته اند چون در ارتش هم چیزهای فرهنگستانی هست) کلیه امور مربوط بجراید و شون (مسموعات) داخلی و خارجی را باید تحت نظر داشته باشد یعنی رکن دوم و اطلاعات مکتسبه از این راه را جهت استفاده بشعب بهره برداری اطلاعات توزیع میکند.

۶ - در کلیه امور تأمینیه کشور بر حسب دستور رئیس ستاد ارتش بنام ستاد ارتش شرکت جسته و در جریان اوضاع باشد در واحد ها و ادارات ارتشی بایستی بطور ویژه و غیر محسوسی کلیه اوضاع واحوال را از نظر روحی و مادی و انضباطی مورد بررسی قرار داده و اطلاعات مکتسبه را پس از گذاندن از عرض مقامات عالی عندالزوم برای بازرسی و دقت بیشتر و تعیین حقایق بقامات مربوطه اطلاع دهد، (این را گمان میکنم که احتیاجی بتفسیر نداشته باشد چون خودش باندازه کافی روشن و گویا است.)

۸ - برای تحکیم مبانی انضباط ارتش و ایجاد روحیه عالی اخیلی عالی و حسن اعتماد بایستی مراقبتهای لازمه را معمول داشته و پیشنهاداتی که بنظر رکن برای وصول باین مقصود و بهبود آن لازم باشد تقدیم و تعلیمات لازم را صادر نماید.

۹ - از نظر حسن انجام امور قضائی بایستی دقت نمایند تکلیف متهمین هر چه زودتر تعیین (حالا اینکه تعیین تکلیف میکنند هر چه زودتر، این يك معنی است که بعداً خواهیم رسید) و از هر گونه سوء

جریانیکه موجب سستی اعتماد و اطمینان ببنای ارتشی باشد جلوگیری نماید، طبق مقررات قانونی مراقبت نماید، با زندانها بطور شایسته رفتار، این شایسته را هم معنای معمولی نگیرید که میگویند شایسته یعنی آنطوریکه باید و شاید و بوجه احسن مامور آنان رسیدگی گردد، بوجه احسن مامور آنان رسیدگی گردد، که البته اگر ترقیات عالیهای که مملکت ما نائل خواهد شد بجائی برسد که از آن داروئی که در محاکمات شوروی معمول هست گفتیم و میدانید که در محاکمات شوروی همیشه بکار میرند اگر بکمک آن وزیر یا طیبی که میدانید در این کار هاهم دخالت داد آن دارو ها را بتوانیم بدست بیاوریم و فرمولش را کسب کنیم آنها بدست رئیس زندانها و جزو وظائف همین رکن دوم خواهد بود.

۱۰ - کلیه امور تشریفاتی و پذیرائی اینکه چیزی نیست

۱۴ - امور مالی رکن دوم ستاد ارتش و ارکان دوم لشکر های مرکز و عناصر اطلاعاتی و آنچه مربوط به هزینه های سری است مستقیماً تحت نظر رئیس رکن دوم اداره شده و جریان آن بطور ماهیانه باستحضار رئیس ستاد ارتش میرسد و کلیه دستورات مأخوذه بوسیله رئیس رکن ۲ بوقع اجرا (دستورات مأخوذه یعنی مأخوذه از رئیس ستاد ارتش) بوسیله رکن ۲ بوقع اجرا گذاشته میشود و رئیس رکن ۲ موظف است هر هزینه ای را که معمول میداند خلاصه آنرا بر رئیس ستاد ارتش گزارش داده تصویب آنرا تقاضا نماید، اینجایی که از آن اسراری که همیشه مورد توجه همه بوده کشف میشود که وزارت جنگ این پولها را چکار میکند می آید و میگویند سربازان ندارد سرباز لباس ندارد، سرباز کفش ندارد، سرباز تفنگ ندارد، حالا می بینید که چطور میشود يك اداره اطلاعاتی است، يك هزینه سری در اختیار اوست و فقط يك نفر حق دارد از این هزینه سری اطلاع داشته باشد و آن شخص تیسار معظم سپهبد رزم آراست و من بعنوان يك نماینده مجلس، مجلسی که بایستی ناظر دخل و خرج مملکتی باشد و شاید یکی از تنها اصل فلسفه وجود مجلس همین است نمیکویم که اسرار را بین فاش کنند يك چنین توقمی ندارم یا بگویند که یکی پول داده اند نخواستم آنرا بپرسم خواستم رقم بودجه این هزینه سری را بدست بیاورم و رقمش را خواستم بدست بیاورم برابم میسر نشد و اینکه همیشه می شنویم ستاد ارتش پول میدهد، بروزنامه ها پول میدهد کی را تقویت میکند، فهمیدم که از کجا میدهند از هزینه های سری رکن دوم که شاید بعضی از حضار محترم هم در این قسمتها اطلاعات دقیقی داشته باشند، ولی بنده میخواستم اطلاعاتی کسب کنم بله!

۱۵ - رکن دوم لشکرها و همچنین کسانی که هزینه های سری را دریافت میدارند، کسانی که هزینه های سری را دریافت میدارند همین ترتیب عمل نموده و صورت هزینه ها را بامضای رئیس رکن ۲ (یا افسر اطلاعات در صورتیکه رئیس رکن دوم نباشد) و رئیس ستاد چنانکه واحد های مربوطه دارای ستاد باشند و فرمانده قسمت رسانیده و ستاد ارتش ارسال میدارند.

۱۶ - در توسعه عوامل کسب اطلاعات غیر سازمانی، عوامل کسب اطلاعات غیر سازمانی و استخدام مأمورین ویژه در حدود بودجه مصوبه و صرف هزینه های مربوطه رئیس رکن دوم بنام رئیس ستاد، دارای اختیار کافی میباشد، خلاصه این مواد را در سه کلمه برایتان عرض میکنم خودتان نتیجه بگیرید، يك دستگاهی است که پولی در اختیارش است که کسی هم نمیتواند ازش بپرسد که این پول را بچه مصرف رساندی، بکی دادی؟ کسی خرج کردی و تویش هم اجازه داده شده استخدام های غیر نظامی وفلان وفلان وفلان خودتان ببینید که از توی این چه چیزهایی ممکن است در بیاید و بفهمید که بعضی وقتها که توی کافه ها و خیابانها ببینید بعضی ها برای رئیس ستاد یقه شان رایاره میکنند، بدانید که چرا توی کوچه این اعمال را انجام میدهند یقه شان را برای رئیس ستاد رایاره میکنند بفهمید... نایب رئیس - آقای دکتر بقائی تأمل بکنید اکثریت نیست.

دکتر بقائی - همه این تأمل هارامن حساب خواهم کرد.

نایب رئیس - این تأمل هاهج تأثیری ندارد دکتر بقائی - چرا ایندفعه سوم است که میفرمائید تأمل بفرمائید.

رحیمیان - آقای رئیس تنفس بدهید.

نایب رئیس - هنوز تازه نشستیم، تنفس آقای رحیمیان! شا که مرد کار هستید آقای بقائی چند نفر از آقایان تشریف بیاورند تو، بفرمائید آقای دکتر بقائی.

دکتر بقائی - عرض کنم بطوریکه اطلاع میرسد الان مخبر رکن ۲ دراز مطبوعات است.

دولت شاهی - مگر نباید باشد؟

دکتر بقائی - مگر من گفتم نباید باشد؟ جناب آقای دولت شاهی تشریف نداشتید، وظیفه رکن دوم در همه جای دنیا کسب اطلاعات از ارتش های بیگانه و دشمنهای احتمالی است، آنها در خارج نه دشمنهای احتمالی داخله، حالا معلوم میشود احتمال داده اند که ممکن است مجلس دشمن بشود، مأمور فرستاده اند، ولی وظیفه رکن ۲ جاسوسی نیست مخصوصاً در مملکتی که از این همه سرباز واقفتریکه ما داریم، فقط ۳۰ درصد در صند، ۳۰ درصد در صدر صف کار میکنند، بقیه در صند نیستند، و شنیده ام اینرا شنیده ام، راجع باین سندی را هنوز ندارم که ارائه بدهم، ولی شاید برسد، شنیده ام که آن دو میلیون لیره کذائی که هنوز در مجلس تکلیفش معین نشده، کماندنش داده شده (مکی - تبصره اش گذشت آقای)

ای این تبصره ها بود، خوب پس الحمدلله. پس گرفتم الحمدلله. حالا رسیدیم یکی از ادارات تابعه ستاد ارتش که توی دستور شماره ۴۸ هم اسمی ازش نبوده و این اداره، کسانی که ضمیمه قلب دارند تشریف بیاورند بیرون و آن اداره... (زنك رئیس)

نایب رئیس - آقایان تماشاچیها! اگر خنده بلند کردید مجازات دارد ساکت بنشینید و فقط گوش بدهید. اینجا برای خنده تشریف نیاورده اند فقط برای گوش کردن است.

دکتر بقائی - آن اداره می که اسمش در دستور شماره ۴۸ نوشته نشده است ولی وظائفش معین شده است، اداره مجلس مؤسسان است، دو ماده برای این

نایب رئیس - مذاکره بین الانتین نکنید. دکتر بقائی - اگر نشد، ما هم پس بگیریم. آقایان چیز اصلی را دارم میگویم، قبول نمیکند.

یک نفر از نمایندگان - نیست اصلی کجایش اصلی است؟

کشاورز صدر - ساخته می اینرا.

مجلس مؤسسان تهیه شده است که آن مواد را میخوانم مقدمه، چون در موقع تهیه قانون اساسی ارتشی در ایران وجود نداشته و مقتضی هم فکری نسبت به ارتش دارا نبودند، لذا نسبت به ارتش نکات و مطالب لازمهای که از لحاظ اداره و سرپرستی آن لازم است در نظر گرفته نشده و در نتیجه امروز، در نتیجه ارتش امروز را در بلاتکلیفی کامل قرار داده اند، جهت رفع این اشکالات دو ماده زیر منتهای ضرورت را دارد.

ماده اول - رئیس ستاد ارتش ایران مسئول (گفتم یک یک جانی مسئول باشد، حالا مسئولش اینجا پیدا میشود) ماده اول رئیس ستاد ارتش ایران مسئول امور فنی ارتش شناخته شده معاون یکم وزارت جنگ محسوب و ازین بهترین امراء ارشد، از بین بهترین امراء ارشد که تمام مراحل فرماندهی را طی و معروفیت کامل دارا باشند بنا به پیشنهاد شورای عالی جنگ انتخاب و در مقابل پارلمان، در مقابل پارلمان مسئول امور فنی ارتش ایران شناخته میشود.

ماده ۲ - شورای عالی جنگ از ده نفر بهترین امراء یا افسران ارشد ارتش بنا به موافقت ستاد ارتش (ببخشید کلمه ارتش ندارد) بنا بر موافقت ستاد وزارت جنگ تعیین و کلیه مسائل مهمه و فنی ارتش که دارای آئین نامه خاصی نیست، در مقابل این هیات مطرح و بحث خواهد شد صحبتی از تصمیم گرفتن نیست، اما این سند که برای مجلس مؤسسان تهیه شده است (زنك نایب رئیس) بخط تیسار معظم سرلشکر رزم آراست.

نایب رئیس - آقای دکتر بقائی کار ستاد ارتش چه مربوط بمجلس مؤسسان است؟ اگر ایرادی بستاند ارتش دارید بفرمائید و حال آنکه جزواستیفاحان نیست.

دکتر بقائی - چرا؟ جزواستیفاحم هست. مداخلات مقامات نظامی.

نایب رئیس - مداخلات یعنی مداخلات غیر قانونی مقامات نظامی در امور کشوری.

دکتر بقائی - در این باب فرمودید؟ یکیش اینست، ستاد ارتش چه حق دارد برای مجلس مؤسسان ماده قانون تهیه کند. آنها موادیکه برایتان حالا تعبیر خواهم کرد. شاید بعضی از دوستان من توجه بمعنای این مواد نداشته باشند این سند، این عکس از روی خط تیسار معظم سرلشکر رزم آرا حاج علی خان رزم آرا رئیس محترم ستاد ارتش برداشته شده است، میشناسید همه، بفرمائید بگردید... (یکی از نمایندگان بدهید به بنیم) نه حالا از دست نمیدهم (دهقان همچو دستوری که برای مجلس مؤسسان تعیین شده جزء فرمان همایونی همچو چیزی نیست) خواهد شد. عرض میکنم که توی این مجلس مؤسسان غیر از همان چیزهایی که فرمان همایونی است ده دوازده چیزهای دیگر هم باید مطرح شود، (دولت شاهی - تعیین و تعیین و تعیین و تعیین)

مافی دارد؟ برخلاف مذهب ماست.

نایب رئیس - مذاکره بین الانتین نکنید. دکتر بقائی - اگر نشد، ما هم پس بگیریم. آقایان چیز اصلی را دارم میگویم، قبول نمیکند.

یک نفر از نمایندگان - نیست اصلی کجایش اصلی است؟

کشاورز صدر - ساخته می اینرا.

باتما قلیچ - ساخته بودند، جعل کرده بودند پیش اعلیحضرت هم فرستاده بودند سه سال قبل سرهنگ دیبیمی آنرا ساخته، آقای رئیس برای اطلاع نان عرض میکنم اینجا در ستاد مخالفین سپهبد رزم آرا ساخته اند، بنده این را دیده ام (زنك رئیس).

نایب رئیس - آقای دولت شاهی استدعا میکنم صحبت نکنید.

دولت شاهی - اینها جزواستیفاحان نیست، بشا چه؟

دکتر بقائی - بمن چه؟ بمن چه؟ من قسم خورده ام قانون اساسی را حفظ کنم.

دولت شاهی - پدرتان حفظ نکرد. نایب رئیس - آقای دولت شاهی بشما اخطار میکنم، صحبت نکنید، آقای دکتر بشما هم میگویم بفرمائید.

دکتر بقائی - همه چیز فکر کرده بودم جز اینکه حضرت والا ابوالفتح میرزا دولت شاهی نماینده محترم مجلس سپهبد شاهاب کرمانی اینطور حرف بزند، و این هم از افتخارات من خواهد بود (دولت شاهی - نیست آقای) فضولی نکن مرد که برو بیرون! چرا توهین میکنی پدر من؟ (زنك رئیس) چرا جلوگیری نمیکند چرا میگنارید توهین بکنند پدر من؟ این چه جور حرف زدن است؟ کسانی که سابق خودشان از آفتاب روشن تر است، اینچور با من حرف میزنند (زنك ممتد رئیس).

نایب رئیس - آقای دولت شاهی دهنه دوم بشما گفتم اخطار میکنم، دهنه سوم اگر اخطار کنم باقیده در صورت جلسه است، صحبت نکنید، بفرمائید آقای دکتر بقائی.

رحیمیان - بنده پیشنهاد میکنم تنفس بدهید (مکی - صحیح است) دقیقه تنفس بدهید. مکی - نمیتواند حرف بزند. نایب رئیس - بسته است برای مجلس. مکی - بنده پیشنهاد ده دقیقه تنفس دادم. مهندس خسرو هدایت - من مخالفم با تنفس. نایب رئیس - پیشنهاد خوانده شود. (شرح زیر قرائت گردید) ریاست محترم مجلس شورای ملی - پیشنهاد منیام ده دقیقه تنفس داده شود. مکی. حاذقی - مخالفم آقای وقت مملکت را تلف میکنند، تنفس چیست آقای. صفوی - بنده هم مخالفم. نایب رئیس - آقای مکی بفرمائید توضیح بدهید. مکی - قرار بود که صبح مقام ریاست اینجا اخطار کردند همچنین خود جناب آقای نایب رئیس هم چندین مرتبه که جلسه را اداره میفرمودند اخطار کردند با آقایان که از صحبت های بین الانتین و از حلات اشخاص بنایق خودداری بشود متأسفانه حلاتی که بنایق میشود با وضع مزاجی که خود ناطق دارد این حلات واقفاً يك عمل غیر مترقبه و تکلیف شافی است ده دقیقه شما تنفس بدهید که بعد از ده دقیقه

عصبانیتی که ناطق پیدا کرده ، عارضه ای که پیدا کرده مرتفع بشود و بعداً بتواند ناطق ادامه بدهد والا اگر بخواهد که جلسه همینطور ادامه پیدا کند نه ایشان و امبایانند نه بنده ولی مصلحت اینست که در دقیقه نفس بدهید .

صفوی - مصلحت مملکت هم ایجاب میکند که زودتر اینکار خاتمه پیدا کند .

قبادیان - اگر واقفاً کسالت دارد موافقت شود .

مهندس خسرو هدایت - آقای قبادیان فقط یکساعت است که این جلسه تشکیل شده است .

نایب رئیس - یکساعت و ربع .

مکی - یکسال گذشته .

نایب رئیس - آقای مکی شما هم بگذارید صحبت کنند ، آقای مهندس هدایت توضیح دارید بفرمائید .

مهندس خسرو هدایت - ممکن نیست این را قبول کرد که در این یکساعت مجلس خسته بشود و احتیاج به نفس داشته باشد (مکی - البته مجلس خسته نمیشود) بنده خیال میکنم اگر آقای مکی از دادن یادداشت های مکرر و ناقص خودداری بکنند نه ایشان خسته میشوند و نه تشنجی در مجلس پیدا میشود مایانات ایشان را گوش میکنیم و بعد مفاضات میکنیم احتیاج به نفس هم بنظر بنده لازم نیست .

دکتر بقائی - این یادداشت را ببرد خدمت آقای هدایت ملاحظه فرمایند که ایشان چه نوشته اند (مکی - بدهد با آقای مهندس هدایت) ببرد بدهد آقای هدایت بخوانند (صحیح است)

نایب رئیس - صحبتتان را ادامه بدهید تا عده کافی بشود برای رای .

دکتر بقائی - ادامه میدهم .

مهندس خسرو هدایت - آقا خودتان میتوانند بخوانید .

نایب رئیس - آقای خسرو هدایت بیخود صحبت نکنید بفرمائید بشنید .

مهندس خسرو هدایت - این را بدهید با آقای رئیس ، آقای مکی نوشته اند ، آرام باشید ، عصبانی نشوید ، اسناد را بخوانید . . .

نایب رئیس - آقای مهندس هدایت بفرمائید بشنید . آقای دکتر بقائی ادامه بدهید .

دکتر بقائی - خوشوقت از اینکه ملت ایران در این دقائق آخر حقایق را میفهمد (مهندس خسرو هدایت - دقائق اول است) بلی ، اول دیکتاتوری و آخر آزادی همینطور است .

مهندس خسرو هدایت - بلی ، اول آزادی و آخر هرج و مرج .

باتما قلیچ - آقای خسرو هدایت بگذارید صحبتشان را بکنند .

دکتر بقائی - بنده حقیقتاً نمیتوانم صحبت بکنم **نایب رئیس** - تا عده برای رای کافی شود میتواند صحبت کنید .

دکتر بقائی - ۰۰۰ در این دقائق آخر حقایق را میفهمد و میفهمد که چه اشخاصی با ایجاد دیکتاتوری در این مملکت علاقه مند هستند و من امیدوارم که پس از این مبارزه که نتیجه آن هر چه میخواهد بشود بشود امیدوارم که پس از این مبارزه ملت ایران روشی را که بعد از هجوم مغول پیش گرفته بود و شعار خود قرار داده بود ترک کند و دیگر معتقد باین نباشد که در عفو لدنی است که در انتقام نیست امیدوارم که این شعر را ملت ایران از خاطر بزداید و با کمال ایمان مسلمان بشود و به کتاب مقدس خود توجه کند و در آن کتاب بخواند و بفهمد و عمل کند و لکم فی القصاص حیوة یا اولی الالباب ، یعنی برای شازندگی در انتقام است اگر ملت ایران اینقدر فراموشکار نبود ، اگر ملت ایران توجه کرده بود و دشمنان کشور و دشمنان آزادی و بزهکاران و تبه کاران را گوشمال داده بود و تنبیه کرده بود امروز این صحبت ها لازم نبود ولی متأسفانه ملت ایران عفو کرد و امیدوارم که این ملت دیگر عفو نکند و یقین دارم که دیگر عفو نخواهد کرد برای اینکه الان این ذره حقیر با شما صحبت نمیکند ، این صدائی که بگوش شما میرسد صدای ملت ایران است که بعواقب وخیم زیاد عفو کردن بی برده است حالا میفهمد که اگر تبه کاران و خیانتکاران و دزدان دوره بیست ساله را تنبیه کرده بود و مجازات کرده بود دیگر امروز چنین اتفاقی نمیافتاد ولی یقین دارم که دفعه دیگر که آزادی پیدا بشود مثل آن دفعه نخواهد شد ، آقایان از تمام خیانتکاران و تبه کارای دوره گذشته یک نفر محکوم شد ، یک نفر محکوم شد و آن سرپاس مختاری رئیس شهر بانی و علتش را من در مدتی که در اینمکان مقدس متحصن شدم کشف کردم ، علتش این بود که با تمام فجایی که بدستور او انجام گرفت مختاری دزد نبود ، مختاری برای جنایاتش محکوم نشد برای این محکوم شد که دزد نبود ولی من مختاری را جز در روی عکس ندیده ام کمال تنفر را هم از او داشتم ولی حالا میفهمم که چون دزد نبود مجازات شد ، جنایتکارانی از او بدتر و جانی تر و فاسد تر بودند ولی چون دزد بودند و چون پول گرد آورده بودند تعقیب نشدند و معاکه نشدند و اگر هم تعقیب شدند و اگر هم محکوم شدند عفو شدند ولی ملت ایران بطاقدار داشته باشد که ایندفعه دیگر عفو نخواهند شد ، برای یکمالت ، برای سعادت یک ملت و برای همه چیز یک ملت خطرناک ترین چیزها عفو است اگر دزدان خواه ارتشی ، خواه کشوری ، خواه وزارت دارائی ، خواه غیر آن محکوم شده

بودند و مجازات شده بودند امروز کسی در این مجلس نمیتوانست اسم میرزا شهاب کرمانی را برزشتی ببرد ولی هیئات ، هیئات که ایندفعه ملت فراموش کرد ولی یقین دارم که دیگر فراموش نخواهد کرد ، اما راجع به هرج و مرج که فرمودید يك آیه قران در اینجا توسط یکی از دوستانم برای من فرستاده شده بود امروز که خیلی موقعیت دارد که حضور آقایان عرض کنم ، جناب آقای مهندس هدایت نماینده مجلس . . . **نایب رئیس** - آقای مکی ده دقیقه نفس خواسته بودند مخالفت شد اینک عده کافی شده برای رای بنابر این رأی میگیریم باینکه ده دقیقه نفس داده بشد آقایان موافقین قیام بفرمایند (عده کمی برخاستند) تصویب نشد .

دکتر بقائی - ۰۰۰ و اذا قبل لهم لا تفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون ولكن لا یعلمون . یعنی وقتیکه با آنها گفته میشود . . . **مکی** - اکثریت نیست همانها که موافقت نمیکند همانها جلسه را از اکثریت میاندازند .

صدرزاده - صحیح است کاملاً صحیح است (پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد)

۲- ختم جلسه بعنوان تقس

نایب رئیس - بنده میخواستم يك مطلبی حضور آقایان عرض کنم در جلسه قبل هم عرض کردم که مورد استیضاح آقای دکتر بقائی نماینده محترم سه موضوع است ، اول بعضی تصمیمات بیرویه هیأت دولت (دکتر بقائی - صحیح است) دوم - مداخلات غیر قانونی بعضی مقامات نظامی در امور کشور ، سوم - سوء جریانات دادگستری ، الان پنج و شاید هم شش جلسه است ، هفت جلسه است که نماینده محترم آقای دکتر بقائی میشود گفت در مداخلات نظامی آنها با یک مقدماتی که مربوط باینکار بوده یا نبوده کار ندارم صحبت میفرمایند و مطابق قولی که خودشان دادند که پس از دو دوازدهم ۶ ساعت بیشتر صحبت نفرمایند و مطابق قول خود ایشان چون قول ایشان را همیشه محترم میشماریم چون شخص خوش قولی هستند یکساعت و نیم دیگر باقی مانده است از نطق ایشان و چون خیلی خسته هستند و میل دارند ما هم میل نداریم که ایشان تحت فشار صحبت کرده باشند ما میخواهیم يك کار هائی بکنیم که بکار مملکت بخورد خود ایشان تصدیق میکنند يك استیضاحی بیش از این نبیایست بطول بیانجامد کارهای خیلی مهمی منجمله لایحه مجلس سنا که بنده مکرر در مکرر عرض کردم که جزء شئون مجلس است و ما موظفیم و قانون اساسی گفته است که ما این کار را بکنیم و خیلی کارهای دیگر جزو دستور است این صلاح بر اینست که مجلس خودش این قانون را بگذراند و قس علیهذا (صحیح است) لوائح خیلی متعددی بگریه است که متأسفانه این استیضاح جلو گیری کرد که این لوائح را بگفرانیم و بحال مردم و مملکت مفید باشد (حاذقی - لایحه مالیات)

(صحیح است) برای اینکه فردا سه و نیم قبل از ظهر همه آقایان حاضر باشند (اردلان - اطاعت میکنیم) که ما بتوانیم در سر موقع یعنی وقت داشته باشیم سه ساعت ، چهار ساعت (صبر کنید آقا بفرمائید از سر جایتان تکان نخورید) این مذاکرات را تمام کنیم و ایشان هم آزادی داشته باشند ، اگر ناطق محترم هم حقیقتاً کسالت دارد از انصاف دور است (صحیح است) - آقای دکتر شفق فرمایشی دارید ؟

دکتر شفق - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده خودم بایشان اخطار و اخطار مجند کردم اگر ایشان باز هم ادامه میدادند اخطار باقی در صورت جلسه میکردم و اینرا هم باید بگویم حقیقتاً ایشان توهین بکسی کردند مثل مرحوم میرزا شهاب کرمانی که یکی از بهترین و وطن پرست ترین مردم بوده (دولتشاهی - بنده توهین نکردم) حالا اگر اجازه میدهید مجلس را بطور نفس ختم میکنیم (مجلس هفت ساعت و پنجاه و پنج دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

نایب رئیس - بنده اخطار نظامنامه ای داشتم راجع باستعمال الفاظ زشت امروز مجلس حقیقتاً مرتب بود و بنده شخصاً از جناب آقای دولتشاهی شکایت دارم که برخلاف این ماده امروز رعایت نزاکت را نکردند (صحیح است)

قوانین

شماره ۲۰۱۹
وزارت دارائی ۲-۱۷-۳۲۸

فرمان هایبونی بانضمام قانون اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت دو ماهه اول سال (۱۳۲۸) که در جلسه بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۲۸ تصویب مجلس شورای ملی رسیده است ذیلا ابلاغ میگردد.

با تأییدات خداوند متعال

پهلوی شاهنشاهی ایران

محل صحنه ملوکانه
نظر باصل بیست و هفتم متمم قانون اساسی
مقرر میداریم

ماده اول - قانون اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت دو ماهه اول سال ۱۳۲۸ که در جلسه بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۲۸ تصویب مجلس شورای ملی رسید و متمم باین دستخط است بوقع اجرا گذاشته شود.

ماده دوم - هیئت دولت مأمور اجرای این قانون هستند بتاريخ هشتم اردیبهشت ماه (۱۳۲۸) قانون اجازه پرداخت دو دوازدهم حقوق و هزینه کل کشور بابت دو ماهه اول سال (۱۳۲۸)

ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود حقوق و هزینه های مستمر و غیر مستمر وزارت خانه ها و ادارات و بنگاههای دولتی و سایر هزینه های کشور را اعم از مصارف عمومی و عمرانی در دو ماهه اول سال ۲۸ در حدود دو دوازدهم اعتبارات سال ۱۳۲۷ با رعایت تبصره یک ماده واحده قانون مصوب دوم آبان ماه ۲۴ و سایر قوانین و مقررات مالی و کمک هزینه کارمندان و خدمتگزاران کشوری و لشگری را مطابق قوانین و آئین نامه های مربوطه از درآمد عمومی سال جاری کشور پرداخت نماید.

تبصره (۱) مواد متمم قانون چهار دوازدهم آخر سال ۱۳۲۷ موضوع گزارشهای شماره ۲۰ و ۲۱ مورخ ۱۵ و ۲۲ اسفند ۲۷ کمیسیون بودجه و گزارشهای مورخه ۱۲ اسفند ماه ۲۲ راجع باضافه اعتبار ترفیع و اضافات کارمندان بابت سالهای ۲۵ و ۱۳۲۶ که در سال ۱۳۲۷ نیز مورد پرداخت خواهد داشت و موجود تبدیل پایه های پزشکیاری فارغ التحصیل های دبیرستان و کلاسهای فنی و کسبالتوری دامپزشکی و کمک هزینه فرزندان مرحوم سید احمد بهبهانی تصویب میگردد که بوقع اجرا گذارده شود.

تبصره (۲) برای اینکه در انجام امور عمرانی که جزو بودجه کشور بوده و طبق قانون اجرای مقررات برنامه هفت ساله بهمنه سازمان برنامه معول گردیده و فقه و تأخیری حاصل نشود از اول سال ۳۲۸ و مادام که سازمان برنامه شروع با اجرای مقررات قانون ۲۶ بهمن ۱۳۲۷ ننوده است وزارت دارائی مجازست با اطلاع و بنیابندگی سازمان برنامه اعتبار مصارف عمرانی را از محل در آمد نفت در اختیار دستگاههای دولتی که عهده دار انجام کار عمرانی میباشد بگذارد حساب وجوه مذکور را وزارتخانه ها

و ادارات ذیصلاح تنظیم و بسازمان برنامه تسلیم خواهند نمود.

تبصره (۳) تبصره یک ضمیمه قانون اجازه اجرای مقررات گزارش کمیسیون برنامه مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۲۷ لغو و طبق مفاد ماده ۹ گزارش کمیسیون برنامه انتخاب شورایی و مدیرعامل بر حسب پیشنهاد دولت و بموجب فرمان هایبونی بعمل خواهد آمد.

تبصره (۴) مدت تعهد و پرداخت بقیه ترفیع و اضافات سال ۱۳۲۶ موضوع تبصره یک قانون اول خرداد ماه ۲۷ و تبصره ۴ قانون دوم شهریور ماه ۳۷ و تا آخر خرداد ماه ۳۲۸ تمدید میشود.

تبصره (۵) دولت میتواند علاوه بر مالیات مقرر نامیزان سه برابر گندم مالیاتی و یک برابر جو مالیاتی مازاد از مالکین مطالبه نماید و قیمت آن را مطابق نرخ که با پیشنهاد وزارت دارائی و تصویب هیئت محلی (بشرطی که بهای نان هر شهرستان متناسب با بهای خرید گندم آنجا باشد) معین میشود پرداخت نماید.

هیئت محلی مرکب است از رئیس دارائی محل - فرماندار - نماینده بانک ملی یا بانک کشاورزی و دو نفر متمم محل یا نماینده مالکین خورده مالکینی که مالیات مشخصه آنها تقداً و جنساً از دوازدهم چهارمصد ریال تجاوز نکند از پرداخت مالیات معاف خواهند بود.

تبصره (۶) اعتبارات مربوط براه سازی و تعمیر راهها که در بودجه ۱۳۲۸ از طرف دولت منظور و ضمن لایحه بودجه مزبور تقدیم مجلس شده است عیناً برای اجرا در اختیار وزارت راه گذارده میشود که در حدود قوانین و مقررات و بتدریج به ترتیبی که مورد موافقت وزارت دارائی باشد بمصارف معینه برساند.

تبصره (۷) لوله و سایر آلات لوله کشی آب شهرها از هر گونه عوارض و حقوق گمرکی معاف خواهد بود.

تبصره (۸) باقیمانده اعتبارات ساختمانی و تعمیراتی سال ۳۲۶ تا آخر خرداد سال ۱۳۲۸ قابل پرداخت خواهد بود.

تبصره (۹) وزارت دارائی مکلف است از مطالبه وصول مالیات بردرآمد سالهای قبل از ۳۲۷ مؤدیانی که مالیات آنها زائد بریکهزار ریال نباشد و تاکنون وصول نشده صرف نظر نماید.

چنانچه مقداری از بدهی این قبیل مؤدیان فعلاً وصول شده باشد حساب مالیاتی آنها واریخت شده محسوب و از وصول بقیه صرف نظر خواهد گردید.

تبصره (۱۰) حقوق ارزی و ریالی مستخدمین خارجی که استخدام آنها از طرف کمیسیون های مربوط مجلس شورایی تصویب رسیده ولی هنوز در جلسه عمومی مجلس تصویب نشده است تماماً پرداخته شود.

از هر مراسم سفارشی و بینه اعم از داخله و خارجه و مبلغ دوریال از هر امانت رستی اعم از داخله و خارجه و مبلغ دو ریال و بیست و پنج دینار از هر تکرار اعم از داخله و خارجه بوسیله الصاق تمبر خیریه از فرستندگان دریافت نماید ازجمله حاصله «پس از وضع هزینه طبع تمبر» مبلغ دو میلیون ریال برای مبارزه بامرض سل بینگاه حمایت مسلولین و بقیه برای صرف امور خیریه کشور شیر و خورشید سرخ ایران پرداخت میگردد.

بانصد هزار ریال از دو میلیون ریال اختصاصی بینگاه حمایت مسلولین باید بصرف درمان و هزینه انتقال مسلولین بی بضاعت شهرستانها بمرکز برسد طبقه نقل و انتقال و استفاده از اعتبار مزبور با هیئت مدیره بینگاه حمایت مسلولین خواهد بود.

پرداخت وجوه مزبور بوسیله خزانه داری کل انجام خواهد گرفت و وجوه حاصله از این قانون بشیر و خورشید سرخ بهیچوجه بمصارف اداری بنگاه مزبور نخواهد رسید.

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن گزارش های شماره ۲۰ و ۲۱ مورخ ۱۵ و ۲۲ اسفند ۲۷ کمیسیون بودجه و گزارش راجع باضافه اعتبار ترفیع و اضافات کارمندان و همچنین گزارش مربوط به جواز تبدیل پایه های پزشکیاری دامپزشکی و کمک هزینه فرزندان مرحوم سید احمد بهبهانی ضمیمه است در جلسه بیست و نهم فروردین ماه یک هزار و سیصد و بیست و هشت تصویب مجلس شورایی رسید.

رئیس مجلس شورایی - رضاحمت متن گزارش شماره ۲۰ مورخ ۱۳۴۲ ۲۷ کمیسیون بودجه

ماده اول - وزارت دارائی مجاز است مبلغ هفتصد و پنجاه هزار ریال برای سه ماهه آخر سال جاری جهت تأسیس نمایندگی های سیاسی دولت ایران در پاکستان و عربستان سعودی و سایر احتیاجات وزارت خارجه و همچنین هفتصد هزار ریال برای خرید اثاثیه سفارت پاکستان علاوه بر بودجه پیشنهادی سال ۱۳۲۷ وزارت خارجه منظور و پرداخت نماید.

ماده دوم - وزارت دارائی مجاز است مبلغ بیست و هشت میلیون ریال علاوه بر بودجه سال ۱۳۲۶ وزارت راه ردیف ۳۷ لایحه بودجه سال ۲۶ برای ساختمان و تعمیر و تکمیل راههای شوسه و ساختمان اسکله بندر عباس علاوه نموده و از محل درآمد عمرانی کشور بپردازد باین ترتیب پنجاه میلیون ریال موضوع تبصره ۴ قانون چهارم اردیبهشت ۱۳۲۷ احتساب شده و در نتیجه جمع بودجه ساختمان و تعمیر و تکمیل راههای شوسه ۲۷ کشور یکصد و هفتاد میلیون ریال خواهد بود.

که وزارت راه مکلف است صورت ریز هزینه یکصد و هفتاد میلیون ریال را در ظرف یکماه بکمیسیون بودجه ارسال دارد.

ماده سوم - دولت مکلف است حساب مطالبات دولت را از بابت استفاده نیروی متفقین از راه آهن و بنادر ایران و فرودگاهها و کارخانجات بمشولیت خود تصفیه و دریافت نموده و از این محل هزینه و مصارف تکمیل و رفیع نواقص بنگاه راه آهن دولتی ایران را بپردازد.

ماده چهارم - مبلغ سی و پنج میلیون و نهصد و سی و دو هزار ریال اضافه اعتبار سال ۲۷ اداره کل کمک ردیف ۳۵ بودجه سال ۲۷ کشور گزارش کمیسیون بودجه بنظور تکمیل گارد سرحدی و جلوگیری از قاچاق و سایر احتیاجات ضروری بودجه آن اداره علاوه بر بودجه تفصیلی گارد سرحدی فوراً بکمیسیون بودجه ارسال و پس از رسیدگی ابلاغ گردد.

تبصره - واردات با ادارات کمک مدتی را که مقررات و دستورات دولتی مانع از ترخیص آن شده یا میشود از پرداخت گمرک زمین و انبار معاف خواهد بود.

ماده پنجم - وزارت دارائی مجاز است مبلغ هجده میلیون و بیست و نه هزار و هفتصد و پنجاه و سه ریال اعتبار قسط اول بپای لوازم خریداری از متفقین ردیف ۶۰ بودجه سال ۲۷ کشور را در آمد عمومی کشور پرداخت نماید.

ماده ششم - دولت میتواند مبلغ سیزده میلیون ریال اعتبار سهمیه سال ۱۹۴۸ و سنوات قبل دولت ایران از مخارج سازمان ملل متحده ردیف ۵۳ بودجه سال ۲۷ را از درآمد عمومی کشور بپردازد.

ماده هفتم - وزارت دارائی مجاز است برای جبران زبان عمل کرد غله و نان در تمام کشور مجموعاً تا میزان سیصد میلیون ریال پس از تسلیم ترانزنامه دوره عمل ۲۷ و انجام رسیدگی وثبوت زبان حاصله از محل درآمد عمومی سال ۲۷ کشور پرداخت نماید.

پرداخت این مبلغ از لحاظ فرصت تنظیم و رسیدگی ترانزنامه اداره غله و نان تا آخر اسفند ماه ۱۳۲۸ مجاز خواهد بود.

ماده هشتم - دولت مجاز است حقوق ریالی و ارزی کارشناسان خارجی را که مدت پیمان آنها منقضی شده همچنین کارشناسانی را که از نظر احتیاج تا اول آذرماه ۲۷ از طرف دولت استخدام و لوازم تمدید یا عقد قرار داد استخدام آنان تا تاریخ تصویب این قانون بمجلس شورایی تقدیم گردیده است تا آخر سال ۲۷ بپردازد.

ماده نهم - مبلغ ده میلیون ریال باعتبار بودجه سال ۲۷ اداره هواپیمائی کشور علاوه و با تنظیم و ابلاغ بودجه تفصیلی اداره نامبرده پرداخت گردد هر مبلغ از اعتبار فوق که در سال جاری تمهید و یا پرداخت نشده باشد در سال ۲۸ قابل تمهید و پرداخت خواهد بود.

ماده دهم - بوزارت دارائی اجازه داده میشود مبلغ هجده میلیون ریال علاوه بر بودجه ۲۶ وزارت بهداشتی اضافه نموده که باین ترتیب شش میلیون و پانصد هزار ریال خرید دارو و سه میلیون و ششصد و پنجاه هزار ریال خرید عمارات برای تأسیس قراقرظیه های بوشهر و بندر عباس و بقیه برای خرید لوازم جراحی و هزینه بیمارستانهای جدید بمصرف برساند.

ماده یازدهم - کارخانه های دولتی و خصوصی که در حدود یکصد کارگر یا بیشتر دارند باید بر طبق آئین نامه که دولت تنظیم خواهد کرد برای کارگران خود منزل بسازند و از سال ۲۷ اینکار را شروع و عملی نمایند.

ماده دوازدهم - دانشکده های دامپزشکی و کشاورزی و هنرهای زیبا (هنر کده سابق) به شعب دانشگاه تهران افزوده میشود و شورای دانشگاه

میتواند برای معلمان دانشکده های دامپزشکی و کشاورزی که قبل از تصویب این قانون برای تدریس در آن دو دانشکده انتخاب شده و صلاحیت آنان مورد تصویب آن شوری بوده است با احتساب سنوات تدریس آنها در مدارس سابق الذکر بامدارس عالی دیگر طبق قانون تأسیس دانشگاه مصوب ۱۲ خرداد ۳۱۳ و با رعایت ماده ۱۲ قانون آموزش اجباری مصوب ۶ مرداد ۲۲ در ظرف دو ماه پایه های استادی یا دانشیاری تشخیص و ابلاغ نمایند در صورتی که حقوق پایه و کمکی که بر طبق این قانون بمعلمان مشمول این ماده داده میشود از مجموع حقوق و کمک و حق التدریس که فعلاً دریافت میدارند کمتر باشد تفاوت آن بعنوان فوق العاده پرداخته خواهد شد.

همچنین باشخاصی که قبل از تصویب این قانون لاقلاً هشت سال در دانشگاه تدریس کرده باشند و دارای آثار و تألیفاتی بوده و صلاحیت آنان را شورای دانشگاه تصدیق نماید ممکن است رتبه استادی داده شود رتبه این معلمان با در نظر گرفتن مدت خدمات فرهنگی و دولتی آنان از طرف شورای دانشگاه تعیین خواهد شد.

باعتین رتبه های مزبور حقوق آنان نباید در حال از مجموع حقوق و مزایائی که فعلاً از اعتبارات مختلف بودجه کشور دریافت میدارند تجاوز کند.

ماده سیزدهم - قضات دادگستری که توقف آنها در هر یک از پایه ها از مدت مقرر قانونی تجاوز کرده باشد و محکومیت انتظامی که قانوناً مانع از ترفیع باشد نداشته باشند برای هر سه سال اضافی استحقاق ترفیع یک پایه را دارند دادگام عالی انتظامی به پرونده مشمول این ماده رسیدگی و احکام ترفیع آنان را بپایه ای که مستحق میشوند صادر مینماید ایام نمایندگی مجلس شورایی جزء مدت اشتغال بخدمت محسوب میشود پرداخت این اضافات موکول بوجود اعتبار در بودجه مصوبه وزارت دادگستری می باشد.

ماده چهاردهم - وجوه حاصله از بهره برداری مؤسسات دانشگاه پس از وضع مالیاتی که از بودجه دانشگاه بمصرف تهیه مواد اولیه مربوط بآن میرسد و همچنین مالیاتی که بعنوان ثبت نام و شهریه و حق امتحان دریافت میشود مانند درآمد آزمایشگاهها و سایر درآمد های اختصاصی دانشگاه مذکور در ماده هشتم قانون تأسیس دانشگاه مورخ خرداد ۳۱۳ در آمد اختصاصی دانشگاه منظور خواهد شد و با نظر و تصویب شورای دانشگاه بمصرف خواهد رسید.

ماده پانزدهم - بآخر تبصره (۲) ماده واحده مصوب ۲۶ بهمن ماه ۲۶ عبارت ذیل اضافه خواهد شد (ولی نسبت بخانم های لسانیه موکول بنظر وزارت فرهنگ است)

ماده شانزدهم - کلیه اشیاء و لوازم و اثاثیه بیمارستانها و مؤسسات بهداشتی که اشخاص نیکوکار تأسیس و برابگان مورد استفاده عموم قرار میدهند از هر گونه عوارض گمرکی معاف است.

توضیح آنکه باید اشیاء و لوازم فوق منحصراً و مستقیماً برای منظور خیریه و بدون حق انتقال با گواهی بهداشتی بوده باشد.

ماده هفدهم - اعتبارات راه سازی و ساختمانی سال ۳۲۷ تا آخر سال ۳۲۸ قابل تمهید پرداخت خواهد بود.

ماده هیجدهم - دولت مکلف است برای ساختن سد کنار بلوار بندر پهلوی که اخیراً بملت طفیان آب و کولاک دریا خراب شده است و همچنین برای سایر اصلاحات شهر بندر پهلوی مبلغ چهار میلیون ریال از محل عمرانی کشور اختصاص وزیر نظر انجمن شهر بندر پهلوی بمصرف برساند.

ماده نوزدهم - مادامی که آقایان حسین و مهران نصر فرزندان مرحوم دکتر ولی الله نصر به تحصیل اشتغال دارند وزارت فرهنگ ماهیانه بهریک مبلغ پنجاه هزار ریال از محل بودجه وزارت فرهنگ کمک خرج پرداخت مینماید.

ماده بیستم - بیاس خدمات مرحوم داور دولت مجاز است پرویز پسر ارشد ایشان را برای تکمیل تحصیلات با روبا اعزام داشته و هزینه تحصیل او را تا ده سال همه ساله از اعتباریکه برای هزینه اعزام دانشجویان بخارجه در اختیار وزارت فرهنگ است بپردازد و مدتی که مشارالیه با هزینه دولت مشغول تحصیل میباشد و همچنین پس از خاتمه تحصیلات حقوق وظیفه او از محل اعتبار شهریه مادام العیات بمادریشان (عبال مرحوم داور) پرداخت گردد.

متن گزارش شماره ۲۱ کمیسیون بودجه ماده واحده - بوزارت دارائی اجازه داده میشود استثنائاً تا میزان دو میلیون لیره اعتبار از محل صدی چهل عوائد نفت که طبق قانون اول بهمن ۲۶ برای مصرف عمرانی تخصیص داده شده بصرف خرید فشنک و تعمیر کارخانجات تسلیحات ارتش و همچنین مخارج حمل و نقل آن برساند این دو میلیون لیره صورت قرضه را داشته و دولت مجازست معادل همان مبلغ برپایل در بودجه ۲۸ مسلکتی منظور و از درآمد همان سال بحساب عمران مسترد دارد.

تبصره (۱) وزارت جنگ ملزم است در خرید نوع اسلحه و قیمت آن حد اعلاای مصالح کشور را منظور دارد و کارخانه فروشنده هم باید تمهید نصب آنرا عهده دار باشد و خرید ماشین آلات مندرسه هم ممنوع خواهد بود.

تبصره (۲) وزارت جنگ ملزم است است از تاریخ تصویب این قانون تا دو هفته صورت کامل هزینه تعمیر و ترمیم کارخانجات تسلیحات را با تصدیق و امضای صریح متخصصین و توضیحات بکمیسیون بودجه تسلیم نماید تا در کمیسیون مورد رسیدگی و مذاقه واقع گردد.

تبصره (۳) دولت مکلف است برای استیفاء مطالبات دولت ایران از بابت اسلحه و مهمات تحویلی بمتفقین اقدامات لازم را بعمل آورده و نتیجه اقدامات خود را در ظرف ۳ ماه بمجلس گزارش دهد.

متن گزارش مورخ ۲۲ اسفند ماه ۲۷ کمیسیون بودجه

ماده واحده - برای پرداخت تفاوت و ترفیع اضافات سال ۲۵ و ۲۶ کارمندان دولت و دربار شاهنشاهی و اضافه حقوق سال ۲۷ خدمتگزاران جزء و دون پایه وزارتخانه ها و ادارات و بنگاههای دولتی و دربار شاهنشاهی که در بودجه های مربوطه محل ندارند مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال دیگر (علاوه

بریکم هشتاد و دو میلیون ریال موضوع مله واحده قانون نهم آبانه (۲۷) تصویب و بوزارت دارائی اجازه داده میشود مطابق تقاضای وزارتخانه ها و ادارات و دستگاههای ذیصلاح و تشخیص وزارت دارائی مبلغ کسر اعتبار هر یک را ببودجه آنها علاوه نموده و از محل درآمد عمومی سال جاری کشور پرداخت نمایند .

متن گزارش مورخ ۲۲ اسفند ماه ۳۲۲ کسبیون بودجه

ماده اول - بایه های پزشکی فارغ التحصیل

های دبیرستان و کلاسهای فنی و اکسپناتوری دامپزشکی در صورت تمایل صاحبان آنان بشرط بقاء در خدمت تحصیلی خودشان قابل تبدیل بادیاری بوده و مدارج ترفیع آنان در صورت دارا بودن دیپلم مانند سایر دیپلمه ها و در صورت نداشتن دیپلم نظیر دیگر کارمندان خواهد بود چنانچه اجرای مفاد این ماده اضافاتی را ایجاب نماید پرداخت آن اضافات موکول بوجود اعتبار در بودجه مربوطه خواهد بود .

ماده دوم - وزارت فرهنگ مکلف است از تاریخ تصویب بهر یک از سه فرزندان ذکور مرحوم سید احمد بهجانی نماینده سابق مجلس شورای ملی ماهیانه مبلغ دو هزار ریال مادام که مشغول تحصیل

هستند از محل بودجه و زوایات فرهنگ بعنوان کمک خرج بپردازد متن گزارش های شماره ۲۰ و ۲۱ مورخ ۱۵ و ۲۲ اسفندماه ۲۴ کسبیون بودجه و گزارش راجع باضانه اعتبار ترفیع و اضافات کارمندان و همچنین گزارش مربوط بجهوز تبدیل پایه های پزشکی دامپزشکی و کمک فرزندان مرحوم سید احمد بهجانی ضمیمه این قانون بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی - رضا حکمت
اصل فرمان همایونی و قانون در دفتر نخست وزیر است ۷۷۹ م نخست وزیر

شماره ۱۹۲۴۱۵۰۸ ۲۸۲۲۱۱

آقای علی باقری

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم شیروان منصوب میشود . طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

شماره ۳۰۴۴۰۱۷۲۲۴ ۲۸۲۲۱۷

آقای محسن شیوج سردفتر سابق ازدواج و طلاق و لیان کرج

بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شمارا از تصدی دفاتر ازدواج و طلاق اعلام میدارد

وزیر دادگستری

شماره ۳۲۹۷۱۷۳۰ ۳۲۸۲۱۵

آقای محمد حسین حسین زاده سردفتر ازدواج و طلاق سابق کرمانشاهان

نظر باینکه مجامعه انتظامی شما منتهی به محکومیت بجزای نقدی شده بموجب این ابلاغ رفع تعلیق شما را از تصدی ازدواج و طلاق اعلام میدارد وزیر دادگستری

شماره ۳۴۲۴۲۸۴۲ ۲۸۲۲۱۵

آقای محمد علی معزالدینی

بموجب این حکم بسمت سردفتری اسناد رسمی درجه سوم شهرستان ساری منصوب می شوید . طبق مقررات مشغول انجام وظیفه شوید .

وزیر دادگستری

شماره ۲۴۳۸۱۸۴۷ ۲۸۲۲۱۷

آقای عباس حکیم معانی سر دفتر اسناد

رسمی شماره ۱۳۸ تهران

نظر باینکه در دادگاه بدوی انتظامی سردفتران بانقصال موقت محکوم شده اید وزارت دادگستری طبق ماده ۲۹ قانون دفتر اسناد رسمی شما را تا خاتمه رسیدگی انتظامی از تصدی دفاتر اسناد رسمی و گواهی صحت امضاء معلق مینماید .

وزیر دادگستری